



کلیات جامع

تعبیر خواب

منسوب بہ امام جعفر صادق علیہ السلام، محمد بن سیرین، دانیال پیامبر، ابراہیم کرمانی،
یوسف پیغمبر، ہامونی، اسماعیل بن اشعث، خالد اصفہانی،
حافظ بن اسحاق، عبدوس، محمد ساہونہ، جابر مغربی۔

بہ ہمراہ تعبیر خواب علامہ مجلسی (رحمہ اللہ)

تألیف:

شیخ ابو الفضل حبیب بن محمد ابراہیم تفسیری

انتشارات کمال انشہ

تفلیسی، حبیب بن ابراهیم. - ۱۳۶۲ ق

[کامل التعمیر]

کلیات تعبیر خواب محمد بن سیرین، حضرت دانیال علیه السلام... یا تصحیح و اعراب گذاری احادیث... / تألیف ابوالفضل حبیب بن محمد ابراهیم تفلیسی. -- تهران: کمال اندیشه تهران، ۱۳۸۰.

ISBN: 964-96664-3-5

۸۶ ص.

فهرستویسی بر اساسی اطلاعات فیبا.

این کتاب در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.

۱. خوابگزاری -- متون قدیمی تا قرن ۱. الف. ابن سیرین، محمد بن سیرین، ۲۳ - ۱۱۰ ق. ب. دانیال، پیامبر، قرن ۶ ق.

م. ج. عنوان. د. عنوان: کامل التعمیر.

۱۳۵/۳

BF / ۱۰۸۸.۲۷

الف ی ۱۳۸

کتابخانه ملی ایران

۳۷۱۵ - ۸ م

کلیات جامع تعبیر خواب

مؤلف: شیخ ابوالفضل حبیب بن محمد ابراهیم التفلیسی

ناشر: مؤسسه کمال اندیشه

تهیه و تنظیم: کمالی آشتیانی

ناظر فنی: علی طلعتی

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۸۵

ویراستار: کاظم عابدینی مطلق

چاپ: غزال

شابک: ۵-۳-۹۶۶۶۴-۹۶۴ ISBN: 964-96664-3-5

قیمت ۳۵۰۰ تومان

تهران: میدان انقلاب، خ کارگر جنوبی، خ روانمهر، نبش کوچه دولتشاهی،

پلاک ۲۲۵ طبقه دوم شرقی. تلفن: ۵-۶۶۹۷۳۶۶۳

مشهد: انتشارات عروج اندیشه - چهار راه شهداء، پاساژ فیروزه، طبقه اول پلاک ۶

تلفن: ۵۱۱-۲۲۱۲۴۷۴

(کلیه حقوق برای مؤسسه کمال اندیشه تهران محفوظ می باشد).

فهرست

۵۹	آتش پرستیدن	امیر المؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (س)	● مقدمه‌ی مؤلف: شیخ ابوالفضل
۶۰	آتشدان	۴۶ در خواب	حسین بن محمد ابراهیم التفلیسی ۱۹
۶۰	آتش روشن	فصل نوزدهم: تعبیر دیدن صحابه‌ی پیامبر	۵ گفتار در فضیلت علم تعبیر
۶۰	آتش‌زنه	۴۶ در خواب	خواب ۲۰
۶۰	آتشکده	فصل بیستم: تعبیر دیدن امام حسن و امام حسین (ع)	فصل اول: شناخت خواب و مزاج آن ۲۲
۶۰	آجر	۴۶	فصل دوم: قسمت‌های خواب و عجایب آن ۲۳
۶۰	آدامس	فصل بیست و یکم: تعبیر دیدن اولیا، علما، حکما و فضلا و زاهدان در خواب ۴۷	فصل سوم: یاد کردن نفس و روح ۲۵
۶۱	آدم‌کشی	□	فصل چهارم: معرفت درستی خواب‌ها ۲۶
۶۱	آذربایجان	□ بخش اول	فصل پنجم: معرفت خواب راست و دروغ ۲۷
۶۱	آذرخش	تعبیر خواب تفلیسی ۴۹	فصل ششم: دانستن خواب بی تفاوت ۲۸
۶۱	آرد	□ آ - الف	فصل هفتم: فرق میان خواب ۲۹
۶۱	آردیز	آب ۵۱	فصل هشتم: دانستن علم زجر و فال ۳۰
۶۱	آروغ	آبادانی ۵۲	فصل نهم: معرفت خواب فراموش شده ۳۱
۶۱	آزاد شدن	آبادی ۵۲	فصل دهم: گذاردن خواب به قول جهال ۳۲
۶۱	آس	آب بینی ۵۲	فصل یازدهم: ایجاد تغییر در تعبیر خواب‌ها ۳۳
۶۲	آستان	آب تاختن ۵۳	فصل دوازدهم: آداب و شرایط تعبیر ۳۵
۶۲	آستانه	آبجو ۵۴	فصل سیزدهم: درنگداشتن معرفت سائل ۳۶
۶۲	آسمان	آبخانه ۵۴	فصل چهاردهم: معرفت انواع تعبیر ۳۷
۶۴	آسیاب	آبدستان ۵۴	فصل پانزدهم: مقلوب بودن تعبیر ۳۹
۶۵	آسیابان	آب دهان ۵۴	فصل شانزدهم: تعبیر دیدن فرشتگان و پیامبران در خواب ۳۹
۶۵	آشامیدنی‌ها	آبستی ۵۵	فصل هفدهم: تعبیر دیدن پیامبران در خواب ۴۳
۶۵	آش‌انار	آب عشق ۵۵	فصل هجدهم: تعبیر دیدن
۶۵	آش‌بلغور	آبکانه ۵۵	
۶۵	آشپزخانه	آبکینه ۵۵	
۶۵	آشپزی	آبله ۵۵	
۶۵	آشنی کردن	آیمبه ۵۵	
۶۶	آش سرکه	آینوس ۵۶	
۶۶	آش سماق	آپارتمان ۵۶	
۶۶	آش شوربا	آتش ۵۶	
۶۶	آغوش گرفتن	آتش افروختن ۵۸	
۶۶	آفتاب		

آفتابه	۶۸	استغفار	۸۲	□ ب - پ	
آلت تناسلی مرد	۶۸	استفراغ	۸۲	بادام	۹۴
آلو	۶۸	اُسْطُرلاب	۸۲	بادروک	۹۴
آلوسرخ	۶۸	اسفزه	۸۲	بادرها کردن	۹۴
آله	۶۸	اسفنج	۸۲	بادنجان	۹۵
آماس	۶۹	اسهال	۸۲	بادوزیدن	۹۵
آواز	۶۹	اُشتر	۸۲	باران	۹۶
آویشن	۶۹	اُشتر مرغ	۸۴	بارانی	۹۷
آویختن	۶۹	اُشتر غاز	۸۴	بارکشیدن	۹۷
آهک	۷۰	اشک	۸۴	باروی	۹۷
آهن	۷۰	اشنان	۸۵	باز	۹۷
آهودیدن	۷۱	اصلح	۸۵	بازو	۹۸
آیات قرآن	۷۱	افتادن	۸۵	بازوبند	۹۸
آیه‌ی شهادت	۷۱	افسرده	۸۵	باغ دیدن	۹۸
آیه‌الکرسی	۷۱	افسون	۸۶	بافتن جامه‌ها	۱۰۰
آینه	۷۱	افطار کردن	۸۶	باقلا	۱۰۱
ابر	۷۲	افیون	۸۶	بالارفتن	۱۰۱
ابرو، ابروها	۷۳	الک	۸۶	بالش	۱۰۱
ابریشم	۷۴	اَکْج	۸۶	بانگ	۱۰۲
ابلیس، شیطان	۷۴	اماله	۸۶	بام	۱۰۲
اتاق	۷۴	امامت جماعت	۸۶	بانگ داشتن جانوران	۱۰۲
انعام‌کار	۷۴	امرود	۸۷	بانگ‌نماز	۱۰۳
اجاق	۷۴	انار	۸۷	ببر	۱۰۴
اخته کردن	۷۵	انیر	۸۸	بُت	۱۰۵
اذان	۷۵	انجیر	۸۸	بچه	۱۰۵
ارزیر	۷۶	انجیل	۸۸	بخشش کردن	۱۰۵
آرش	۷۶	انداختن مردم	۸۹	بُخور کردن	۱۰۵
ازه	۷۶	اندام‌ها	۸۹	بذرقطونا	۱۰۶
ازیس مرده رفتن	۷۷	اندوه	۹۰	بربط	۱۰۶
ازدواج	۷۷	انگبین	۹۰	برج	۱۰۶
ازدها	۷۷	انگشتان	۹۰	برجستن	۱۰۶
اسب	۷۷	انگشتری	۹۱	بُرد	۱۰۷
اسپندان	۸۰	انگور	۹۲	برده فروشی	۱۰۷
استادی	۸۰	ایزار	۹۳	بَر دار کردن	۱۰۷
استخوان	۸۰	ایوان	۹۳	برف	۱۰۷
استر	۸۰			برق	۱۰۸
استغفا	۸۲			برگ	۱۰۸

۱۰۸	برگشتوان	بهار	۱۲۳	پته	۱۳۶
۱۰۹	برنج	بهشت	۱۲۳	پشت	۱۳۶
۱۰۹	بروت	بیابان	۱۲۴	پشته	۱۳۷
۱۰۹	برّه	بیت المعمور	۱۲۵	پشت گردن	۱۳۷
۱۰۹	برهنگی	بیدگوش	۱۲۵	پشم	۱۳۸
۱۱۰	بریان	بیرق	۱۲۵	پشه	۱۳۸
۱۱۰	بز	بیضه	۱۲۵	پلاس	۱۳۸
۱۱۱	بزاز	بیل	۱۲۵	بل ساختن	۱۳۹
۱۱۲	باط	بیماری	۱۲۵	بلنگ	۱۳۹
۱۱۲	بت	بینی	۱۲۶	پلینه	۱۳۹
۱۱۲	بستان افروز	بیوشی	۱۲۷	پلیس	۱۴۰
۱۱۲	بستر	با	۱۲۷	پنبه	۱۴۰
۱۱۴	بط	بابند	۱۲۸	پند دادن	۱۴۰
۱۱۴	بُمل، زیربمل	بابندانی کردن	۱۲۹	پنیر	۱۴۰
۱۱۵	بقالی	باتبله	۱۲۹	پوست	۱۴۰
۱۱۵	بلانکینی	پادشاه	۱۲۹	پوستین	۱۴۱
۱۱۵	بلبل	پاچه	۱۳۱	پهلو	۱۴۱
۱۱۵	بلبله	پاس داشتن	۱۳۱	پهلو	۱۴۲
۱۱۵	بلدر چین	باشنه‌ی پا	۱۳۱	پی	۱۴۲
۱۱۶	بلغم	پالان	۱۳۲	پباز	۱۴۲
۱۱۶	بلور	پای اورنجن	۱۳۲	پیاله	۱۴۲
۱۱۶	بلوط	پُتک آهنگری	۱۳۲	پیراهن	۱۴۳
۱۱۷	بناگوش	پتو	۱۳۲	پیرایه	۱۴۳
۱۱۷	بند نهادن	پَر	۱۳۲	پیرشدن	۱۴۴
۱۱۷	بند نهادن	پرپهن	۱۳۲	پیروزه	۱۴۴
۱۱۹	بندّه	پرچم	۱۳۳	پسی	۱۴۴
۱۱۹	بنفشه	پرده	۱۳۳	پیشانی	۱۴۴
۱۱۹	بنیاد نهادن	پرده داری	۱۳۳	پیشه	۱۴۵
۱۲۰	بوتیمار	پرستو	۱۳۳	پیش گرفتن	۱۴۵
۱۲۰	بوریا	پرنده	۱۳۳	پیکان	۱۴۵
۱۲۰	بوزینه	پرنیان	۱۳۳	پینمیری	۱۴۶
۱۲۱	بوسه دادن	پرواز کردن	۱۳۴	پیکر	۱۴۶
۱۲۱	بوق زدن	پروانه	۱۳۴	پيله‌ور	۱۴۷
۱۲۱	بول	پری	۱۳۴	پيله ابریشم	۱۴۷
۱۲۲	یوم	پزشک	۱۳۵	پیمانه	۱۴۷
۱۲۲	بوهای خوش	پستان	۱۳۵	پیه خوردن	۱۴۷
۱۲۳	په	پستان بند	۱۳۶		

۱۷۱	جُنب بودن	۱۵۸	تشیع جنازه	□ ت
۱۷۲	جنگ کردن	۱۵۸	نمویذ	تاب دادن
۱۷۲	جو	۱۵۸	تفاز	تابستان
۱۷۲	جوال	۱۵۸	تف	ناج
۱۷۲	جوالدوز	۱۵۹	نفسله	ناراج
۱۷۲	جوان شدن	۱۵۹	تکبیر گفتن	ناریکی
۱۷۲	جوراب	۱۵۹	تگرگ	تازیانه
۱۷۳	جوزیویا	۱۵۹	تل	تاوه
۱۷۳	جوشن	۱۵۹	تمام شدن کار	تب
۱۷۴	جولامی	۱۵۹	تندور	تیر
۱۷۴	جوهر	۱۶۰	تندیس ها	تیره
۱۷۴	جوی آب	۱۶۰	تنگی	تُشاج
۱۷۵	جهود شدن	۱۶۰	تن مردم	تخت
۱۷۵	جیوه	۱۶۱	تنور	تخم کاشتن
۱۷۵	چادر	۱۶۱	توالت	تخم مرغ
۱۷۵	چادر شب	۱۶۱	توپره	تُخْمَه
۱۷۶	چانه	۱۶۲	توبه کردن	تخم ها
۱۷۶	چاه	۱۶۲	توت	تذرو
۱۷۷	چتر	۱۶۲	توتیا	ترازو
۱۷۷	چراغ	۱۶۲	تورات	ترازوگر
۱۷۸	چراغ پایه	۱۶۲	تیر	ترانگین
۱۷۸	چراغدان	□		تُوب
۱۷۸	چَرُغ	□ ج-ج		تربد
۱۷۹	چرک	۱۶۴	جادو کردن	ترخون
۱۷۹	چشم	۱۶۴	جارو	ترسابی
۱۸۰	چشم پزشکی	۱۶۴	جام	ترسیدن
۱۸۰	چشمه	۱۶۵	جامه	ترشی ها
۱۸۱	چفانه	۱۶۸	جامه ی خز	نرف
۱۸۱	چفتدر	۱۶۸	جامه ی خواب	ترنج
۱۸۱	چک	۱۶۸	جان	ترة
۱۸۲	چکاوک	۱۶۹	جبه	ترة دوغ
۱۸۲	چنگال	۱۶۹	جَزُع	ترة بار
۱۸۲	چنگاله	۱۷۰	جستن	ترة فروشی
۱۸۲	چنگ زدن	۱۷۰	جغد	ترباک
۱۸۳	چوب	۱۷۰	جگر	ترویج
۱۸۳	چوگان زدن	۱۷۱	جلاب	نسب کردن
۱۸۳	چهارپای	۱۷۱	جنازه	تشنگی

چینی آلات	۱۸۳	خانی	۱۹۴	خمیر کردن	۲۰۸
□		خایسک	۱۹۴	خنجر	۲۰۸
□ ح-خ		خایه مرغ	۱۹۴	خنده	۲۰۸
حاکم	۱۸۴	خایه‌ی آدم	۱۹۵	خوان	۲۰۹
حب خوردن، حرص خوردن	۱۸۴	خیزه	۱۹۶	خود	۲۰۹
حجر	۱۸۴	خته کردن	۱۹۶	خوردنی	۲۱۰
حجّامی	۱۸۵	خرابی	۱۹۶	خوشه	۲۱۰
حجر الاسود	۱۸۵	خر	۱۹۶	خوک	۲۱۰
حج کردن	۱۸۶	خریزه	۱۹۸	خون آمدن	۲۱۱
حدزدن	۱۸۶	خرتوت	۱۹۸	خیار	۲۱۱
حربه	۱۸۶	خرچنگ	۱۹۹	خیری	۲۱۲
حرم	۱۸۶	خردل	۱۹۹	خیک	۲۱۲
حریر	۱۸۷	خوس	۱۹۹	خیک انگین	۲۱۲
حساب	۱۸۷	خرگاه	۱۹۹	خیگ ماست	۲۱۲
حصار	۱۸۷	خرگوش	۲۰۰	خیمه	۲۱۲
حصیر	۱۸۷	خرما	۲۰۰	خیو	۲۱۲
حَقّه	۱۸۸	خرمن	۲۰۱	□	
حَقّه	۱۸۸	خروس	۲۰۱	□ د-ذ	
حکمت	۱۸۸	خرید و فروختن	۲۰۲	دار چین	۲۱۴
حلّاجی	۱۸۸	خسنگی	۲۰۲	دار	۲۱۴
حلاوا	۱۸۸	خشت	۲۰۲	دارو	۲۱۴
حَمّالی	۱۸۹	خشم گرفتن	۲۰۳	داس	۲۱۴
حنا	۱۸۹	خصومت	۲۰۳	داع کردن	۲۱۴
حنوط	۱۸۹	خصی کردن	۲۰۳	دام	۲۱۵
حوض	۱۸۹	خضاب	۲۰۴	دانه‌ها	۲۱۵
حوض کوثر	۱۹۰	خطبه خواندن	۲۰۴	دبّاغی	۲۱۵
حیض	۱۹۰	خطمی	۲۰۵	دبّی روغن	۲۱۶
خاج	۱۹۱	خفتن	۲۰۵	دیری	۲۱۶
خار	۱۹۱	خفه کردن	۲۰۵	دجال	۲۱۶
خارپشت	۱۹۱	خلال	۲۰۵	دختر	۲۱۶
خارش	۱۹۱	خلط سوداوی	۲۰۵	دُخنه	۲۱۷
خاشاک	۱۹۲	خَلَمَت	۲۰۶	ددگان	۲۱۷
خاک	۱۹۲	خَلْقان	۲۰۶	دُراج	۲۱۷
خاکستر	۱۹۲	خَلْم	۲۰۶	دِراعه	۲۱۷
خادم	۱۹۳	خلیفه	۲۰۷	دریانی	۲۱۸
خامه	۱۹۳	خَم	۲۰۷	دربر گرفتن	۲۱۸
خانه	۱۹۳	خمره	۲۰۸	درخت آبوس	۲۱۸

درخت آلو	۲۱۸	درمه	۲۲۴	دَکَر	۲۴۱
درخت امرو	۲۱۸	درو دگری	۲۲۴	□	
درختان	۲۱۸	دروغ گفتن	۲۲۴	□ ر-ز-ز	
درخت انار	۲۱۹	درویشی	۲۲۴	رازبانه	۲۴۳
درخت انجیر	۲۱۹	دَرها	۲۲۵	راسو	۲۴۳
درخت انگور	۲۱۹	دریا	۲۲۵	ران	۲۴۳
درخت بادام	۲۱۹	دست	۲۲۶	راه	۲۴۴
درخت بلبله	۲۱۹	دست اورنجن	۲۲۸	راهزنی	۲۴۵
درخت بلوط	۲۱۹	دستره	۲۲۹	رَباب	۲۴۵
درخت پسته	۲۱۹	دست وروی شستن	۲۲۹	رُبها	۲۴۵
درخت تَرنج	۲۱۹	دستنه	۲۲۹	رخساره	۲۴۵
درخت چنار	۲۱۹	دشمن	۲۲۹	رَز	۲۴۶
درخت حنظل	۲۱۹	دشنام	۲۳۰	رستخیز	۲۴۶
درخت خار	۲۱۹	دعا کردن	۲۳۰	رسن	۲۴۷
درخت خرما	۲۱۹	دف زدن	۲۳۰	رضوان	۲۴۷
درخت زرد آلو	۲۱۹	دل	۲۳۰	رفتن	۲۴۸
درخت زیتون	۲۱۹	دلّالی کردن	۲۳۱	رفو کردن	۲۴۸
درخت سدر	۲۱۹	دمل	۲۳۱	رقص کردن	۲۴۸
درخت سرو	۲۱۹	دنبال	۲۳۲	رکاب	۲۴۸
درخت سبجد	۲۱۹	دنبه	۲۳۲	رگ زدن	۲۴۹
درخت سیب	۲۱۹	دندان	۲۳۲	رنگها	۲۵۰
درخت شفتالو	۲۱۹	دوال	۲۳۴	رنگین کمان	۲۵۰
درخت شامه	۲۱۹	دوختن	۲۳۴	روباه	۲۵۰
درخت صنوبر	۲۲۰	دود	۲۳۵	رودگان	۲۵۱
درخت عود	۲۲۰	دوزخ	۲۳۵	رود	۲۵۱
درخت فندق	۲۲۰	دوش	۲۳۶	رودبار	۲۵۲
درخت کدو	۲۲۰	دوشاب	۲۳۶	روزها	۲۵۲
درخت گردو	۲۲۰	دهان	۲۳۶	روزه داشتن	۲۵۳
درخت گردو هندی	۲۲۰	دهرفتن	۲۳۷	روستا	۲۵۳
درخت گُل	۲۲۰	دَهل زدن	۲۳۸	روشنایی	۲۵۳
درخت گلنار	۲۲۰	دهلیز	۲۳۸	روغن	۲۵۴
درخت مورد	۲۲۰	دب ویدن	۲۳۸	روناس	۲۵۵
درخت نارنج	۲۲۰	دیگ	۲۳۹	روی	۲۵۵
درخت نارگیل	۲۲۰	دیگ پایه	۲۳۹	ریحان	۲۵۶
درخت نی	۲۲۰	دینار	۲۳۹	ریسمان	۲۵۶
در کردن اعضای بدن	۲۲۲	دیوار	۲۴۰	ریش	۲۵۷
دِرَم	۲۲۳	دیوانگی	۲۴۱	ریش شدن	۲۵۹

۲۸۳	سخن	۲۷۲	زنبور	۲۵۹	ریگ
۲۸۴	سُداب	۲۷۲	زنبیل	۲۵۹	ریم
۲۸۴	سراب	۲۷۲	زنجیل	۲۵۹	ریواس
۲۸۴	سدر	۲۷۲	زنجیر	۲۵۹	ریوند
۲۸۴	سراپرده	۲۷۲	زَنخ	۲۶۰	زاغ
۲۸۵	سرای	۲۷۳	زندان	۲۶۰	زاگ
۲۸۶	سرب	۲۷۳	زنگار	۲۶۰	زالزالک
۲۸۶	سرخچه	۲۷۳	زنگوله	۲۶۱	زانو
۲۸۶	سرخ‌دان	۲۷۳	زوین	۲۶۱	زباد
۲۸۶	سَر	۲۷۴	زهار	۲۶۱	زبان
۲۸۸	سرفیدن	۲۷۴	زهر	۲۶۲	زبرجد
۲۸۹	سِرکه	۲۷۴	زهره، صُفرا	۲۶۲	زبور
۲۸۹	سِرگین	۲۷۴	زیتون	۲۶۳	زجر
۲۹۰	سِرگین‌دادن	۲۷۵	زیره	۲۶۳	زخم
۲۹۰	سرما	۲۷۵	زیلو	۲۶۳	زدن
۲۹۰	سُرمه	۲۷۵	زین	۲۶۴	زَر
۲۹۱	سرمه‌دان	۲۷۶	زاله	۲۶۴	زردآلو
۲۹۱	سُرنج	□		۲۶۵	زردچوبه
۲۹۱	سرود	س - ش		۲۶۵	زردی‌ها
۲۹۱	سرود	۲۷۷	سار	۲۶۵	زرشک
۲۹۲	سَریش	۲۷۷	ساطور	۲۶۵	زرنیخ
۲۹۲	سَریشم	۲۷۷	ساعد	۲۶۵	زرو
۲۹۲	سَرین	۲۷۷	ساق	۲۶۶	زره
۲۹۲	سطل	۲۷۸	سایان	۲۶۶	زعفران
۲۹۲	سُتُر	۲۷۸	سایه	۲۶۶	زَعَن
۲۹۲	سفرکردن	۲۷۸	سبزه	۲۶۷	زِفَت
۲۹۲	سفره	۲۷۹	سَبَل	۲۶۷	زکات
۲۹۳	سفیداب	۲۷۹	سَبوس	۲۶۷	زگال
۲۹۳	سفیدروی	۲۷۹	سَبو	۲۶۷	زکام
۲۹۳	سفیدمهره	۲۸۰	سیل	۲۶۸	زُلاپه
۲۹۳	سَقایی‌کردن	۲۸۰	سپر	۲۶۸	زلزله
۲۹۴	سَقمونیا	۲۸۰	سپرز	۲۶۸	زمره
۲۹۴	سَقنور	۲۸۰	سیوسه	۲۶۹	زُستان
۲۹۴	سِکِیا	۲۸۱	ستارگان	۲۶۹	زمین
۲۹۴	سُکره	۲۸۲	ستون	۲۷۰	زُدو زایدن
۲۹۴	سککه	۲۸۲	سجاده	۲۷۱	زن
۲۹۴	سکنجین	۲۸۳	سجده	۲۷۱	زَنار

سُک	۲۹۵	سوره ی بروج	۳۰۴	سوره ی طور	۳۰۹
سگ	۲۹۵	سوره ی بقره	۳۰۴	سوره ی طه	۳۰۹
سلاح	۲۹۶	سوره ی بلد	۳۰۴	سوره ی عادیات	۳۰۹
سلام	۲۹۶	سوره ی بنی اسرائیل	۳۰۴	سوره ی عیس	۳۰۹
سماروغ	۲۹۷	سوره ی یثنه	۳۰۴	سوره ی علق	۳۰۹
سماق	۲۹۷	سوره ی تیت	۳۰۴	سوره ی عنکبوت	۳۰۹
سمانه	۲۹۷	سوره ی تحریم	۳۰۵	سوره ی غاشیه	۳۰۹
سمور	۲۹۷	سوره ی تغابن	۳۰۵	سوره ی فاتح الکتاب	۳۱۰
سینان	۲۹۸	سوره ی نکائر	۳۰۵	سوره ی فاطر	۳۱۰
سُنب	۲۹۸	سوره ی نکویر	۳۰۵	سوره ی فتح	۳۱۰
سنبل	۲۹۸	سوره ی توبه	۳۰۵	سوره ی فتح	۳۱۰
سنجاب	۲۹۸	سوره ی تین	۳۰۵	سوره ی فجر	۳۱۰
سنجد	۲۹۹	سوره ی جائیه	۳۰۵	سوره ی فرقان	۳۱۰
سنج زدن	۲۹۹	سوره ی جمعه	۳۰۶	سوره ی فلق	۳۱۰
سنجیدن	۲۹۹	سوره ی جن	۳۰۶	سوره ی ق	۳۱۰
سندان	۲۹۹	سوره ی حاقه	۳۰۶	سوره ی قارعه	۳۱۱
سنگ	۳۰۰	سوره ی حج	۳۰۶	سوره ی قدر	۳۱۱
سنگ	۳۰۰	سوره ی حجر	۳۰۶	سوره ی قریش	۳۱۱
سنگ خواره	۳۰۰	سوره ی حدید	۳۰۶	سوره ی قصص	۳۱۱
سواری	۳۰۱	سوره ی حشر	۳۰۶	سوره ی قلم	۳۱۱
سورخ	۳۰۱	سوره ی دخان	۳۰۷	سوره ی قمر	۳۱۱
سوره ی آل عمران	۳۰۱	سوره ی ذاریات	۳۰۷	سوره ی قیامت	۳۱۱
سوره ی ابراهیم	۳۰۱	سوره ی رعد	۳۰۷	سوره ی کافرون	۳۱۲
سوره ی احزاب	۳۰۲	سوره ی روم	۳۰۷	سوره ی کوثر	۳۱۲
سوره ی احقاف	۳۰۲	سوره ی زخرف	۳۰۷	سوره ی کهف	۳۱۲
سوره ی اخلاص	۳۰۲	سوره ی زمر	۳۰۷	سوره ی لقمان	۳۱۲
سورمانشراح	۳۰۲	سوره ی مباء	۳۰۷	سوره ی لیل	۳۱۲
سوره ی اعراف	۳۰۲	سوره ی سجده	۳۰۷	سوره ی مانده	۳۱۲
سوره ی الزحمن	۳۰۲	سوره ی شعراء	۳۰۸	سوره ی ماعون	۳۱۲
سوره ی الزلزله	۳۰۲	سوره ی شمس	۳۰۸	سوره ی مجادله	۳۱۳
سوره ی الضحی	۳۰۳	سوره ی شوری	۳۰۸	سوره ی محمد	۳۱۳
سوره ی انبیا	۳۰۳	سوره ی شهادت	۳۰۸	سوره ی مدثر	۳۱۳
سوره ی انسان	۳۰۳	سوره ی ص	۳۰۸	سوره ی مرسلات	۳۱۳
سوره ی انشاق	۳۰۳	سوره ی صافات	۳۰۸	سوره ی مریم	۳۱۳
سوره ی انعام	۳۰۳	سوره ی صف	۳۰۸	سوره ی مزمل	۳۱۳
سوره ی انفال	۳۰۳	سوره ی طارق	۳۰۸	سوره ی مصابیح	۳۱۴
سوره ی انفطار	۳۰۴	سوره ی طلاق	۳۰۸	سوره ی مطففین	۳۱۴

سوره‌ی مِراج	۳۱۴	شادی	۳۲۱	شمشیر	۳۲۸
سوره‌ی مُلک	۳۱۴	شانه	۳۲۲	شمع	۳۲۹
سوره‌ی مُمتحنه	۳۱۴	شانه‌ی حیوان	۳۲۲	شناکردن	۳۲۹
سوره‌ی منافقون	۳۱۴	شاه‌بلوط	۳۲۲	شنانگ	۳۳۰
سوره‌ی مؤمن	۳۱۴	شاه‌رود	۳۲۲	شَنگَرَف	۳۳۰
سوره‌ی مؤمنون	۳۱۴	شاه‌سفرم	۳۲۲	شوربا	۳۳۰
سوره‌ی نازعات	۳۱۵	شاهین	۳۲۲	شونیز	۳۳۰
سوره‌ی ناس	۳۱۵	شب	۳۲۲	شهادت	۳۳۰
سوره‌ی نبأ	۳۱۵	شبان‌ی	۳۲۳	شهرستان	۳۳۰
سوره‌ی نجم	۳۱۵	شب‌بازی	۳۲۳	شهرها	۳۳۰
سوره‌ی نحل	۳۱۵	شب‌پره	۳۲۳	شیر	۳۳۲
سوره‌ی نساء	۳۱۵	شَبَه	۳۲۳	شیر	۳۳۳
سوره‌ی نمل	۳۱۵	شب‌یمانی	۳۲۳	شیراز	۳۳۳
سوره‌ی نوح	۳۱۶	شپش	۳۲۳	شیرخشت	۳۳۳
سوره‌ی نور	۳۱۶	شپشه	۳۲۳	شیره	۳۳۴
سوره‌ی واقعه	۳۱۶	شراب	۳۲۴	شیره	۳۳۴
سوره‌ی همزه	۳۱۶	شرابی	۳۲۴	شیرینی‌ها	۳۳۴
سوره‌ی هود	۳۱۶	شراره‌ی آتش	۳۲۴	شیشه	۳۳۴
سوره‌ی یس	۳۱۶	شرم	۳۲۵	□	
سوره‌ی یونس	۳۱۶	شستن	۳۲۵	□ ص - ض	
سوره‌ی حجرات	۳۱۶	شُش	۳۲۵	صابون	۳۳۵
سوزن	۳۱۷	شطرنج	۳۲۵	صاروج	۳۳۵
سوسمار	۳۱۷	شمرگفتن	۳۲۶	صاعقه	۳۳۵
سوسن	۳۱۷	شغال	۳۲۶	صبح	۳۳۵
سوگند	۳۱۷	شفتالو	۳۲۶	صبر	۳۳۵
سیب	۳۱۸	شکار	۳۲۶	صحبث	۳۳۵
سیر	۳۱۸	شُکر کردن	۳۲۶	صحبث داشتن	۳۳۶
سیری	۳۱۸	شکستن	۳۲۶	صحرا	۳۳۶
سینیر	۳۱۹	شکم	۳۲۶	صُخف	۳۳۶
سپیکی	۳۱۹	شکبه، شکبه	۳۲۷	صحف	۳۳۶
سیل	۳۱۹	شکنجه	۳۲۷	صحیفه	۳۳۶
سیم	۳۲۰	شکوفه‌ها	۳۲۷	صدای پرنده	۳۳۶
سیماب	۳۲۰	شل شدن	۳۲۷	صدای حیوانات	۳۳۶
سیمرغ	۳۲۰	شلغم	۳۲۷	صدف	۳۳۶
سینه	۳۲۰	شلوار	۳۲۷	صدقه دادن	۳۳۷
شاخه	۳۲۱	شلواربند	۳۲۸	صدقه دادن	۳۳۷
شادروان	۳۲۱	شمار کردن	۳۲۸	صراط	۳۳۷

۳۵۱	عضاری	۳۴۳	طمن	۳۳۷	صَرافِی کردن
۳۵۲	عصبانی شدن	۳۴۳	طلا	۳۳۸	صعود
۳۵۲	عَصیده	۳۴۳	طلانی	۳۳۸	صغرا
۳۵۲	عضلات بدن	۳۴۴	ظَلَم	۳۳۸	صَفَه
۳۵۲	عطادادن	۳۴۴	طلق	۳۳۸	صلوات فرستادن
۳۵۲	عطارد	۳۴۴	طنبور	۳۳۸	صلیب
۳۵۲	عطاری کردن	۳۴۵	طنبور	۳۳۸	صمغ
۳۵۲	عطر	۳۴۵	طوس	۳۳۸	صنجر زدن
۳۵۲	عطسه کردن	۳۴۵	طوطی	۳۳۸	صندل
۳۵۳	عقل	۳۴۵	طوفان	۳۳۸	صندوق
۳۵۳	عقیق	۳۴۵	طوق	۳۳۹	صنوبر
۳۵۳	عقص	۳۴۵	طیلان	۳۳۹	صورت
۳۵۳	عقاب	۳۴۶	ظلمات	۳۳۹	صوف
۳۵۴	عقرب	۳۴۶	ظرف شیشه‌ای	۳۳۹	صوفی شدن
۳۵۴	عقرب	۳۴۶	ظلم کردن	۳۳۹	صید
۳۵۴	عفل	□		۳۳۹	صیقل
۳۵۴	عقیق	ع - غ	□	۳۳۹	صینی آلات
۳۵۴	عکس	۳۴۷	عاج	۳۴۰	ضرابی
۳۵۴	عکّه	۳۴۷	عاریت	۳۴۰	ضعیفی
۳۵۴	عنک	۳۴۷	عاشق شدن	۳۴۰	ضیاع
۳۵۵	علم	۳۴۷	عالم	۳۴۰	ضمانت
۳۵۵	عَلَم	۳۴۷	عانه	□	
۳۵۵	عمارت کردن	۳۴۷	عبا	□ ط - ظ	
۳۵۵	عماری	۳۴۸	عبادت	۳۴۱	طابع
۳۵۵	عمله گی	۳۴۸	عجوزه	۳۴۱	طاس
۳۵۵	عمود	۳۴۸	عدد	۳۴۱	طاعون
۳۵۶	عَناب	۳۵۰	عدس	۳۴۱	طاووس
۳۵۶	عشیر	۳۵۰	عدسی	۳۴۲	طابع
۳۵۶	عظا	۳۵۰	عَراده	۳۴۲	طیس
۳۵۶	عنکبوت	۳۵۰	عرش	۳۴۲	طَبَاحِی
۳۵۶	عود	۳۵۰	عرعر	۳۴۲	طَبَق
۳۵۶	عود سوز	۳۵۰	عرق	۳۴۲	طیل
۳۵۶	عورت	۳۵۰	عروسی	۳۴۲	طیب
۳۵۷	عید	۳۵۱	عزل	۳۴۳	طحال
۳۵۷	غارت	۳۵۱	عسل	۳۴۳	طرخون
۳۵۷	غار	۳۵۱	عسی	۳۴۳	طشت
۳۵۷	غالبه	۳۵۱	عصا	۳۴۳	طعام

غایب	۳۵۸	فک	۳۶۵	فَمَح	۳۷۳
غبار	۳۵۸	فَوَاق	۳۶۵	فند	۳۷۳
غذا	۳۵۸	فوده	۳۶۵	فندیل	۳۷۳
غریبال	۳۵۸	فوره	۳۶۵	قنوت	۳۷۳
غرق شدن	۳۵۸	فوطه	۳۶۵	قی	۳۷۳
غزاکردن	۳۵۸	فیروزه	۳۶۵	قیامت	۳۷۳
غسل کردن	۳۵۹	فیل	۳۶۶	قیر	۳۷۴
غُل	۳۵۹	فاشقی	۳۶۶	□	
غلاف	۳۵۹	قاضی	۳۶۷	□ ک-ی	
غلبه کردن	۳۶۰	قالله	۳۶۷	کاجی	۳۷۵
غم	۳۶۰	قالب	۳۶۷	کارد	۳۷۵
غنیمت	۳۶۰	قالی	۳۶۷	کاردنیا	۳۷۵
غوره دیدن	۳۶۰	قبا	۳۶۸	کارزار	۳۷۵
غوص	۳۶۰	قبله	۳۶۸	کاروان	۳۷۵
□		قدح	۳۶۸	کاریز	۳۷۶
□ ف-ق		قدید	۳۶۸	کاسه	۳۷۶
فاخته	۳۶۱	قرآن خواندن	۳۶۸	کاغذ	۳۷۶
فال	۳۶۱	قَرابه	۳۶۹	کاورس	۳۷۶
فالوده	۳۶۱	قربان کردن	۳۶۹	کاهو	۳۷۶
فتنه	۳۶۱	قَرْنُفَل	۳۷۰	کبک	۳۷۶
قتیله	۳۶۲	قره قوروت	۳۷۰	کبوتر	۳۷۷
فراخی	۳۶۲	قرز	۳۷۰	کتاب	۳۷۷
فَرَاشی	۳۶۲	قُسْط	۳۷۰	کشان	۳۷۸
فَرُوج	۳۶۲	فست کردن	۳۷۰	کشف	۳۷۸
فرجی	۳۶۳	قَصَاب	۳۷۰	کتیرا	۳۷۸
فرزند	۳۶۳	قصه	۳۷۰	کخالی کردن	۳۷۸
فرعون	۳۶۳	قضیب	۳۷۱	کدو	۳۷۸
فرمودن، گفتن	۳۶۳	قطایف	۳۷۱	کتراسو	۳۷۹
فروختن	۳۶۳	قطران	۳۷۱	کُزْته	۳۷۹
فرود آمدن	۳۶۴	قفا	۳۷۱	کرسی	۳۷۹
فزون شدن	۳۶۴	قفس	۳۷۱	کرفس	۳۷۹
فُشِیق	۳۶۴	قفل	۳۷۱	کرکس	۳۷۹
فتاع	۳۶۴	قل اللهم	۳۷۲	کُزویه	۳۷۹
فقیه	۳۶۴	قلع	۳۷۲	کری	۳۸۰
فلاخن	۳۶۴	قلمه	۳۷۲	کژدم	۳۸۰
فُلوس	۳۶۵	قلم	۳۷۲	کژدم خواره	۳۸۰
فندق	۳۶۵	قلیه	۳۷۲	کشزار	۳۸۰

۳۹۶	گرو	۳۸۸	کِشت	۳۸۱	کِشتن
۳۹۷	گریختن در خواب	۳۸۹	کَنگر	۳۸۱	کُشن
۳۹۷	گریستن	۳۸۹	کَنه	۳۸۱	کِشت و زرع
۳۹۷	گَزر	۳۸۹	کنیز	۳۸۱	کِشی
۳۹۷	گزنگین	۳۸۹	کوال	۳۸۲	کُشی گرفتن
۳۹۷	گَزدن	۳۸۹	کوچه	۳۸۲	کُشف
۳۹۸	گَنیز	۳۸۹	کودکی	۳۸۲	کُشکاب
۳۹۸	گیل	۳۸۹	کوزه	۳۸۳	کِشمش
۳۹۸	گلاب	۳۹۰	کوشک	۳۸۳	کفن مرده
۳۹۸	گلشکر	۳۹۰	کوه	۳۸۳	کمبتین
۳۹۸	گلنار	۳۹۱	کهریا	۳۸۳	کَمب
۳۹۸	گلو	۳۹۱	کَشیگر	۳۸۳	کَمبه
۳۹۸	گل‌ها	۳۹۱	کِسه	۳۸۴	کفار
۳۹۹	گلیم	۳۹۱	کُک	۳۸۴	کفجه
۳۹۹	گم شدن	۳۹۱	گاری	۳۸۴	کفجه‌ی آتش
۳۹۹	گناه	۳۹۲	گازری	۳۸۴	کف دریا
۳۹۹	گنبد	۳۹۲	گاو	۳۸۴	کفش
۳۹۹	گنج	۳۹۳	گا و چشم	۳۸۵	کفن
۴۰۰	گنجشک	۳۹۳	گاودشتی	۳۸۵	کف‌ها
۴۰۱	گنجه	۳۹۳	گا و زبان	۳۸۵	کَل
۴۰۱	گندم	۳۹۳	گا و میش	۳۸۵	کلازه
۴۰۱	گَنگ	۳۹۳	گیر	۳۸۵	کلاغ
۴۰۱	گوارش	۳۹۳	گِج	۳۸۵	کلاه
۴۰۱	گور	۳۹۳	گدایی کردن	۳۸۶	کَلَبَن
۴۰۲	گورخر	۳۹۴	گَر	۳۸۶	کَلَم
۴۰۲	گورستان	۳۹۴	گربه	۳۸۶	کَلنگ
۴۰۳	گوز	۳۹۴	گَرَد	۳۸۶	کَلِچه
۴۰۳	گوساله	۳۹۴	گردن	۳۸۷	کلید
۴۰۳	گوسفند	۳۹۵	گردنبند	۳۸۷	کلید دان
۴۰۴	گوش	۳۹۵	گردن زدن	۳۸۷	کَلِیا
۴۰۴	گوشت پخته	۳۹۵	گردو	۳۸۷	کمان
۴۰۴	گوشت‌ها	۳۹۵	گردو بویا	۳۸۸	کمان آسمان
۴۰۵	گوشتواره	۳۹۶	گردون	۳۸۸	کمر
۴۰۶	گوگرد	۳۹۶	گَرده	۳۸۸	کمند
۴۰۶	گوهر	۳۹۶	گرشگی	۳۸۸	کُتار
۴۰۶	گوی	۳۹۶	گری	۳۸۸	کندنا
۴۰۶	گیاه	۳۹۶	گره	۳۸۸	کندو

۴۲۴	مسمار	۴۱۵	ماهی خواره	۴۰۶	گیسوها
۴۲۴	مسواک	۴۱۵	میرد	□	
۴۲۴	مُشْرِف	۴۱۵	مُتَقَبِه		□ ل-م
۴۲۵	مشرق	۴۱۵	مجامعت بامرده	۴۰۷	لادن
۴۲۵	مشرک	۴۱۵	مجلس	۴۰۷	لاغر
۴۲۵	مُتَعَبِد	۴۱۵	مجلس علم	۴۰۷	لاله
۴۲۵	مُشک	۴۱۶	مجامعت	۴۰۷	لانه
۴۲۵	مُشک آب	۴۱۷	مجمره	۴۰۷	لب
۴۲۵	مُضَحَف	۴۱۷	مُخْبِرَه	۴۰۸	لباجه
۴۲۶	مُضْطَلکی	۴۱۷	محراب	۴۰۸	لباس
۴۲۶	مصور	۴۱۷	مُخْتَل	۴۰۸	لحاف
۴۲۶	مطبخ	۴۱۸	مذاق	۴۰۹	لرزه
۴۲۶	مطربی	۴۱۸	مَذْکَر	۴۰۹	لرزیدن
۴۲۶	مطهره	۴۱۸	مذی	۴۰۹	لشکر
۴۲۶	معلمی کردن	۴۱۸	مرجان	۴۰۹	نمل
۴۲۷	مغرب	۴۱۸	مرد	۴۱۰	لغاخ
۴۲۷	منز	۴۱۸	مردار سنگ	۴۱۰	لفلق
۴۲۷	مبتلا	۴۱۸	مردم	۴۱۰	لقمه
۴۲۷	مقل	۴۱۹	مردن	۴۱۰	لقوه
۴۲۷	مقنعه	۴۱۹	مرده جامه پوشیدن	۴۱۰	لگام
۴۲۸	مکّه	۴۱۹	مرده را چیزی دادن	۴۱۱	لگدزدن
۴۲۸	مگس	۴۲۰	مرده زنده شدن	۴۱۱	لنگ شدن
۴۲۸	ملخ	۴۲۰	مرده نالیدن	۴۱۱	لوییا
۴۲۸	منادی	۴۲۱	مرزنگوش	۴۱۱	لوح محفوظ
۴۲۸	مناره	۴۲۱	مرغ	۴۱۲	لوزینه
۴۲۹	مشریدن	۴۲۱	مرغزار	۴۱۲	لوید
۴۲۹	مشورنامه	۴۲۲	مروارید	۴۱۲	لیمو
۴۲۹	منقار	۴۲۲	مرهم	۴۱۲	مار
۴۲۹	مورد	۴۲۲	مزدوران	۴۱۳	مار چوبه
۴۲۹	موزه	۴۲۳	مَزَوْرها	۴۱۳	مازو
۴۳۰	موش	۴۲۳	مُزِگان	۴۱۳	ماس
۴۳۰	موم	۴۲۳	مس	۴۱۳	ماش
۴۳۰	مویز	۴۲۳	مسی	۴۱۳	ماکیان
۴۳۱	مهرنهادن	۴۲۳	مسجد	۴۱۳	مامیران
۴۳۱	مهره	۴۲۴	مسح کردن	۴۱۳	مامینا
۴۳۱	مهمانی	۴۲۴	مکه	۴۱۴	ماه
۴۳۱	می پخته	۴۲۴	مسلمان شدن	۴۱۴	ماهی

میخ..... ۴۳۱	نماز..... ۴۳۹	بشم..... ۴۴۶
میش..... ۴۳۲	نمد..... ۴۴۰	یوز..... ۴۴۶
میوه..... ۴۳۲	نمک..... ۴۴۰	□
□	نمکسود..... ۴۴۰	● بخش دوم تعبیر خواب
□ ن-و	نوبودن..... ۴۴۰	مرحوم علامه مجلسی رحمته الله ۴۴۷
نابینا..... ۴۳۳	نوحه کردن، نوحه خواندن..... ۴۴۰	□ مقدمه مؤلف تعبیر خواب
نارنج..... ۴۳۳	نوشادر..... ۴۴۰	علامه مجلسی..... ۴۴۹
ناطف..... ۴۳۳	نویسنده، نوشتن..... ۴۴۱	آداب نگاه داشتن حرمت معتبران در.....
نافوس..... ۴۳۴	نهنگ..... ۴۴۱	وقت سؤال تعبیر خواب..... ۴۵۰
نام گردانیدن..... ۴۳۴	نی..... ۴۴۱	باب اول در بیان فصل و سال..... ۴۵۲
نامه..... ۴۳۴	نیزه..... ۴۴۱	دانستن فصل خواب راست از دروغ..... ۴۵۲
نانخواه..... ۴۳۴	نیشکر..... ۴۴۱	باب دوم دانستن انواع، و روش.....
نان ها..... ۴۳۴	نیکی کردن..... ۴۴۱	تعبیر..... ۴۵۳
ناودان..... ۴۳۵	نیل..... ۴۴۲	باب سوم دیدن خواب فرشتگان و کز و بیان.....
نای..... ۴۳۵	نیلوفر..... ۴۴۲	و..... ۴۵۳
نبات..... ۴۳۵	وادی..... ۴۴۲	باب چهارم دیدن آسمان، آفتاب، ماه،
نبات جلّاب..... ۴۳۶	واشه..... ۴۴۲	ستارگان، ابر، رعد و برق، باد، باران
نیید..... ۴۳۶	والی..... ۴۴۲	و زاله..... ۴۵۶
نخّاس..... ۴۳۶	وحوش..... ۴۴۲	باب پنجم دیدن دریاها و رودهای عظیم،
نخجیر..... ۴۳۶	وزغ..... ۴۴۳	چاه ها، کاریزها و چشمه ها، خندق،
نخود..... ۴۳۶	وزیر..... ۴۴۳	کشتی ها..... ۴۵۸
نرد باختن..... ۴۳۶	وسمه..... ۴۴۳	باب ششم دیدن یابان، عمارات،
نردبان..... ۴۳۶	وضو..... ۴۴۳	بوستان ها، مسجد، مناره، منبر و
نرگس..... ۴۳۶	وکیل..... ۴۴۴	محراب..... ۴۵۹
نَرْم..... ۴۳۷	ویرانی..... ۴۴۴	باب هفتم دیدن عمارات ها و بوستان ها،
نسرین..... ۴۳۷	□	دروازه و کوشک، واسیاب دگنان و
نشاسته..... ۴۳۷	□ ه-ی	سرا..... ۴۶۰
نشستن..... ۴۳۷	هاون..... ۴۴۵	باب هشتم عطریات در خواب..... ۴۶۱
نعل..... ۴۳۷	هدیه..... ۴۴۵	باب نهم دیدن پیر و جوان، و خادم و
نعلین..... ۴۳۷	هزارستان..... ۴۴۵	خادمه..... ۴۶۱
نمناع..... ۴۳۸	هما..... ۴۴۵	باب دهم دیدن غل، تبیم، وضو، دست و
نفرین کردن..... ۴۳۸	هوا..... ۴۴۵	پاشتن، بانگ نماز، رکوع و سجود و حج
نقطه..... ۴۳۸	هیزم..... ۴۴۶	و..... ۴۶۱
نقره..... ۴۳۸	یاسمن..... ۴۴۶	باب یازدهم سرتراشیدن و ناخن
نقصان..... ۴۳۸	یافتن..... ۴۴۶	گرفتن..... ۴۶۲
نگار..... ۴۳۸	یاقوت..... ۴۴۶	باب دوازدهم دیدن قفل، کلید، سر ابرده،
نگین..... ۴۳۹	یخ..... ۴۴۶	تخت، کرسی، چادر و..... ۴۶۲

باب سیزدهم دیدن دیگر و دیدگان و	باب بیست و هشتم دیدن بیماری ها،	باب چهل و چهارم دیدن انواع
خاکستر و انگستر ۴۶۳	امراض و ۴۷۱	نان ها ۴۷۸
باب چهاردهم دیدن مردمان برهنه و	باب بیست و نهم دیدن شادروان، بساط،	باب چهل و پنجم دیدن مرغ ها و پر و پوست
زمینگیر و سیاح ۴۶۳	گورستان، مرده و نماز بر جنازه و کفن	و ۴۷۹
باب پانزدهم دیدن حجامت و	و ۴۷۱	باب چهل و ششم دیدن مگس، ملخ، شپش،
رگ زدن ۴۶۴	باب سی و نهم تازیانه زدن، بر دار کشیدن،	مورچه و ۴۸۰
باب شانزدهم دیدن آزار، خوره، پیسی،	اندام شکستن، بر دشمن ظفر	باب چهل و هفتم دیدن ماهی کشف،
زرداب، آبله، ریش ها، جوش ها	یافتن ۴۷۲	سرطان، و آنچه در دریای باشد ۴۸۰
و ۴۶۴	باب سی و یکم دیدن جوال ها، نرخ ها،	باب چهل و هشتم دیدن کژدم و حشرات
باب هفدهم دیدن بول و غایط، و آبستن	آتش و ۴۷۲	زهر دار ۴۸۱
شدن ۴۶۴	باب سی و دوم پریدن از جایی به جایی،	باب چهل و نهم دیدن شیطان، جن، پریان،
باب هیجدهم دیدن درختان و سبزه و	ورفتن به آسمان ۴۷۳	جادویان، کاهنان و ۴۸۱
مرغزار ۴۶۵	باب سی و سوم سخن گفتن با بهائم و	باب پنجاهم دیدن اهل بازار، ازهر
باب نوزدهم دیدن شراب و فقاغ و شیر ها	حشرات ۴۷۳	صنف ۴۸۱
و ۴۶۵	باب سی و چهارم گریستن، گریختن، از	باب پنجاه و یکم دیدن چیزهایی که موجب
باب بیستم دیدن روشنائی، شمع، چراغ،	دشمن و سیاح و بهائم ترسیدن ۴۷۴	درازی عمر ملکوت، و نیکویی حال ایشان
قندیل، مشعل، دود، روشنی، تاریکی	باب سی و پنجم دیدن قصاب و گوشتفند	و دیدار امامان است ۴۸۱
و ۴۶۶	کشتن ۴۷۴	باب پنجاه و دوم دیدن عبادت، شکر،
باب بیست و یکم دیدن جواهر، مروارید،	باب سی و ششم دیدن گوشتفندان، میش،	تسبیح، صلوات، رکوع و ۴۸۲
دینار و درهم، طلا و نقره و ۴۶۶	بز، پشم، شبانی و آلات آنها ۴۷۴	باب پنجاه و سوم دیدن آیات، مثل زلزله،
باب بیست و دوم دیدن تاج، انگستر، حلقه،	باب سی و هفتم دیدن آهو، خرگوش، گاو	کسوف، خسوف و بر آتش افتادن ۴۸۲
گوشواره و نگین ۴۶۷	کوهی و گور خر ۴۷۵	باب پنجاه و چهارم دیدن گبر و ترسا،
باب بیست و سوم دیدن جامه های رنگین،	باب سی و هشتم دیدن آلات گاو و احشای	کلیسا، کشیش، ناقوس و ۴۸۳
از شلوار و دستار ۴۶۷	آن ۴۷۶	باب پنجاه و پنجم دیدن خان ها، جای ها،
باب بیست و چهارم دیدن غل، زنجیر،	باب سی و نهم دیدن فیل و سرگین و آلات	فرش ها و ۴۸۳
زند، بند، دام و ۴۶۸	آنها ۴۷۶	باب پنجاه و ششم دیدن امیران، بزرگان
باب بیست و پنجم دیدن نکاح، بوسیدن و	باب چهل و یکم دیدن خوک، خرس، کلاغ،	و ۴۸۳
کنار گرفتن و جماع کردن، لهو و لمب	موش، گربه و ۴۷۶	باب پنجاه و هفتم دیدن قطران ۴۸۴
و ۴۶۹	باب چهل و یکم دیدن ازدها کشف، کژدم،	باب پنجاه و هشتم دیدن حساب ۴۸۴
باب بیست و ششم دیدن سلاح و آلات	خرچنگ و ۴۷۷	باب پنجاه و نهم دیدن حصار ۴۸۴
جنگ، حاکم، سوگند خوردن، طبل و بوق	باب چهل و دوم دیدن سیاح و گوشت و	باب شصتم در دیدن حصیر ۴۸۵
و ۴۶۹	پوست ۴۷۷	باب شصت و یکم دیدن حوض ۴۸۵
باب بیست و هفتم دیدن آینه، حاکم،	باب چهل و سوم دیدن گرگ، روباه، راسو،	
سوگند ۴۷۰	شغال و ۴۷۸	

مقدمه‌ی مؤلف



شیخ ابوالفضل حسین بن محمد ابراهیم التفلیسی



سپاس و ستایش خدای را که واحد و صمد و قادر است. مالک ذوالجلال و حتی فاطر است. رزاق خَلق و عالِمِ ضمائر است. خالق سپهر و نجوم زاهر است. عالِمِ غیب و داننده‌ی سرایر است. باطنِ اوّل و آخر است. و درود و تحیات بر محمّد و آل پاک محمّد (ص).

اما بعد، چنین گوید شیخ ابوالفضل حبیب بن محمد ابراهیم التفلیسی که چون از تصانیف صحّة الابدان بپرداختم، مطالعه‌ی کتاب‌های اهل تعبیر فارسی را شروع کردم؛ اما هیچ یک را واضح نیافتم. زیرا تعبیرهای موجود در آنها از قول استادان این علم بیان نشده بود.

در این علم تلاش بسیار کردم تا این کتاب را بر نَسَقِ حروفِ مُعْجَمِ تعبیر خواب‌ها به فارسی تألیف کردم. در تألیف این اثر از کتب معبّرین معروف استفاده کردم، که این کتاب‌ها عبارتند از: کتاب «اصول دانیال»، کتاب «تقسیم» امام جعفر صادق (ع)، کتاب «جوامع» محمد ابن سیرین، کتاب «دستور» ابراهیم کرمانی، کتاب «ارشاد» جابر مغربی، کتاب «تعبیر» اسماعیل ابن اشمث، کتاب «کُنْزُ الرُّؤْیَا» و کتاب «مأمونی»، کتاب «تعبیر بیان» عبدوس، کتاب «تعبیر» حافظ ابن اسحق، کتاب «جمل الدلائل»، و «ایضاح التّعبیر» فخری، کتاب «کافی الرُّؤْیَا»، و «تعبیر» معروف طاووس، کتاب «مفرّح الرُّؤْیَا» و «تحفة الملوک» و «منهاج التّعبیر» خالد اصفهانی، کتاب «مقدمة التّعبیر» و «حقایق الرُّؤْیَا» و «وجیزه» از محمد ساهونه و غیره.

با استفاده کامل از کتاب‌های یاد شده و ذکر نام گوینده‌ی هر تعبیر در جای خود، نام این کتاب را «کامل التّعبیر» (کلیات تعبیر خواب) نهادم، زیرا در این علم از این کامل‌تر به فارسی نوشته نشده و آنچه انصاف است، اینکه همه کس را به این کتاب احتیاج است و از قول استادان این علم، اقوال شش نفر یاد شد که هر یک از این استادان در عصر خود حکیمی یگانه بودند: اوّل: از قول دانیال پیامبر (ع) که در عصر بُخْتِ النصر بوده؛ دوم: امام به حق، حضرت جعفر صادق (ع)؛ سوم: محمد ابن سیرین؛ چهارم: ابراهیم کرمانی؛ پنجم: جابر مغربی؛ ششم: اسماعیل بن اشمث و غیره.

نخست، چیزهایی که از پیامبران بود، در شانزده فصل اول آوردم و هر مطلبی را در جای خود به ترتیب نوّشتم تا مطالعه‌ی آن برای خوانندگان آسان باشد و هیچ نکته‌ی مهمتی بر آنها پوشیده نماند. ان شاء الله تعالی.

الف و ب بود، در حرف اول الف و ب آن را جست و جو کند؛ و اگر حرف اول آن خواب الف و ت بود تا الف و جیم، به این ترتیب از اول حروف تا آخر حروف، حرف اول و حرف دوم نگاه بدارد، تا استخراج خواب‌ها بر وی آسان بود؛ که استخراج این طریق سخت آسان است. و برای هیچ فرد دانایی این روش مشکل نخواهد بود، چون در این کتاب به تعبیر نگاه کند. از ایزد تعالی توفیق یاری خواهم به تمام کردن این کتاب، و به ثواب معنوی این اثر چشم دارم از رب الارباب - والله اعلم بالصواب.

« گفتار در فضیلت علم تعبیر خواب

بدان که علم تعبیر، علمی شریف و بزرگ است و حق تعالی این علم را به یوسف صدیق (ع) مرحمت فرمود و بر او مَنّت نهاد؛ چنان که در کلام الله مجید فرموده است: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَعْبِيرِ الْأَحَادِيثِ». ابن عباس گفت: اول چیزی که ایزد تعالی از نبوّت به پیامبر داد، این بود که فرشته‌ی مقرب، او را در خواب گفتی که: محمد (ص)! بشارت بادت که حق تعالی تو را از جمله‌ی انبیا برگزید و اخبار نمود و خاتم الانبیا گردانید. قوله تعالی: «وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ». چون حضرت پیامبر (ص) بیدار شد، این خواب را برای خدیجه تعریف کرد. خدیجه گفت: دل خوش دار، که از این خواب خیر و اقبال‌یابی. پیامبر (ص) بعد از شب معراج خوابی دیگر دید؛ چنان که ایزد تعالی فرمود: «لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَ الْرُّوْيَا بِالْحَقِّ لَنَدْخُلَ الْمَسْجِدَ الْخَرَامَ آمِنِينَ». تا آن جا که فرمود: «فَتَحَا قَرِيبًا» و در قصه‌ی ابراهیم گفت، قوله تعالی: «إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى». تا آن جا که فرمود: «قَدْ صَدَّقْتَ الرُّوْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ».

در خبر است که، این علم معجزه‌ی یوسف (ع) بود؛ و علمی که معجزه‌ی پیامبران باشد، به یقین علم شریف و بزرگ‌یست. بعضی از انبیا که مُرسل نبوده‌اند، نبوّت ایشان در خواب کرامت شده است. مشام ابن عروه از پدر خود روایت می‌کند که، او در تفسیر این آیه‌ی کریمه گفت: حق تعالی در قرآن مجید یاد کرده است: «لَهُمُ الْبَشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا». حق تعالی به این بَشْرَى خواب صالحان خواسته که مردی صالح، خود را خواب ببیند. و در تصدیق آن، آیات و اخبار بسیار آمده است که ذکر تمام آنها در این کتاب نمی‌گنجد. در خبر است از اباذر که پیامبر فرمود: «الرُّوْيَا الصَّالِحَةُ جَزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَ أَرْبَعِينَ جَزْءٍ مِنَ النَّبُوءَةِ». یعنی: خواب دیدن مرد صالح جزئیست از چهل و شش

جزء پیامبری.

در خبر است از عبدالله ابن عباس و او از سلیمان که فرمود: خواب راست، وحی خدای تعالی بر بنده‌ی مؤمن است، که او را از خیر و شری که به او خواهد رسید، پیش از آنکه خیر یا شر به او رسد، او را آگاهی دهد، تا بنده به دنیا مغرور نشود و از امر کردگار غافل نماند.

اباذر (ره) گفت: چون پیامبر (ص) بازگشت، یارانش غمناک نزد او آمدند و گفتند: یا رسول الله! بر تو از آسمان وحی آمده، و تو ما را از کارها خبر دادی؛ اما عیاذ بالله، اگر اجل تو فرا رسد، چه کسی ما را خبر دهد و بی اخبار کارهای دین چه گونه دانیم؟ پیامبر (ص) خطاب به یارانش فرمودند: «بعد وفاتی ینقطع الوحی و لاینقطع المبشرات». یعنی: بعد از وفات من، وحی منقطع شود، اما مبشرات قطع نشود. ایشان عرض کردند: یا رسول الله! مبشرات چه باشد؟ پیامبر فرمود: «الرؤیا الصالحة التي یراها المرء الصالح او یراها». یعنی: دیدن خواب‌های پسندیده توسط مردی نیکو سرشت، یا اینکه کسی خواب او را ببیند.

سلمان مروی گفت: از رسول خدا شنیدم که با یاران خود می‌گفت: چون کسی از شما خواب نیکو ببیند، باید خدای تعالی را سپاس گوید، و خواب خود را با دوستان و مؤمنان گوید. اگر خواب پسندیده ببیند و مرد، مصلح باشد، چند مرتبه بگوید: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم». یعنی: از شر شیطان به حق تعالی پناه می‌برم. با هیچ کس آن خواب را نگوید، تا از آن هیچ آسیب به او نرسد. در خبر است از امیرالمؤمنین (ع) که فرمود: چون مؤمنی خواب ببیند، دانستن تعبیر آن واجب است؛ تا از خواب خوب بهره‌ی نیکو برد، و بتواند با دعا، عبادت و صدقه از عاقبت خواب بد حذر کند.

ابن سیرین گفت: هر کس تمام مراتب این علم را طی کند، علم‌ها از آن است، زیرا هر علمی را طلب کند، اصلش مختلف نگردد و قیاسش تعبیر نپذیرد و طریق او نیکو بود؛ زیرا هر علمی به طریقی بود، مگر این علم، که اصل بگردد از احوال مردم بر هیأت و صناعت و قدر و دیانت و کلمه ولادت که بر اختلاف وقت‌ها می‌شود، زیرا، وقتی به مثل یا به اصل باید کردن؛ و ایضاً وقتی از بهره مرد برود؛ وقتی برای زن؛ و وقتی اضفاث و احلام بود؛ یعنی، خواب‌های آشفته. بدان که هر علمی که داند مستغنی بود از علم دیگر، آلا معتبر، که باید به ضرورت، علم تعبیر قرآن داند و اخبار حضرت مصطفی و امثال عرب و عجم و اشعار و نوادر و اشفاق نعمت و الفاظ متداول؛ یعنی، از دیگر فراگرفتن؛ و نیز باید زیرک و عارف بود و شمایل و احوال مردمان را نیکو شناسد به قیاس؛ و اصول را نیکو داند. با این همه، مستغنی نباشد از توفیق خدای تعالی، تا از کرم، وی را به حق راه نماید و بر

زیانش ثواب و صلاح راه یابد؛ و ایزد عزوجل امر ما را به کسی دهد که طبعش پاک بود از لقمه‌ی حرام، سخن‌های نابکار، گناهان و معصیت‌ها. پس چون این سیرت‌ها را داشت، توفیق خدا را یابد و در این معنی، او را وارث پیامبران سازد. پس چون تعبیر، چند کمال و فضیلت دارد، بر خردمند واجب است که این علم نفیس را خوب بیاموزد؛ و بداند که از دانستن علم تعبیر، او را ستایش و مزد حاصل شود، زیرا که عالم، جاهل، خاص و عام را به این علم نیاز است، مگر آن قوم را که ایزد تعالی در شأن ایشان گفت: «اولئک کالانعام بل هم اضل و اولئک هم الغافلون».

« فصل اول: شناخت خواب و مزاج آن

حکما گویند: علت خواب، بخارهای تر و معتدل است که بعد از غذا خوردن از تن به سوی مغز بالا می‌رود. از این بخارها دو گونه منفعت حاصل می‌شود: اول آنکه، تمام اندام‌ها و حواس استراحت می‌کنند؛ دوم آنکه، غذای مصرف شده، هضم می‌شود. چنین خوابی را معبران، خواب طبیعی گویند. بعضی از حکما گفته‌اند که، خواب دیدن، درگیر شدن روح با حواس است. بعضی نیز گفته‌اند، خواب دیدن یک فعل مغزی و طبیعیست؛ یعنی، قدرت تخیل و تفکر و غیره، با خوابیدن تقویت می‌شوند؛ و این قوا فعالیت‌های روح است و مربوط به مغز می‌شود. چنانچه کسی به مطالعه مشغول شود و کم بخوابد، گرمی و خشکی بر مزاج مغزش غالب می‌شود؛ پس روح نفسانی از تلاش سخت بدنی، سست و ضعیف می‌شود و آن شخص بیمار می‌گردد، که باید به وسیله‌ی موادی با طبیعت سرد، مثل: روغن بنفشه، روغن نیلوفر و غیره معالجه شود.

حکما خواب را سه نوع می‌دانند: اول، خواب طبیعی؛ دوم، خواب غیرطبیعی؛ و سوم، خواب به عینه. چنان که حکمای سلف گفته‌اند: «النوم اعم من العینه و الطبیعة و غیرطبیعة». اما خواب طبیعی قوت طبیعی را نیرو می‌دهد، زیرا گرمی تن را از درون نیک نگاه می‌دارد و قوت طبیعی قوی‌تر می‌شود. اما خواب زیاد قوت نفسانی را سست می‌کند، زیرا تری بر آن چیره شود. سستی از آن جهت بود که گذرهای روح نفسانی در اندام‌ها بسته شود، و نیز جوهر روح انسانی از خیرگی و تری تیره شود؛ اما خواب کافی خستگی را زایل کند، و مواد سمی ایجاد شده در بدن را همراه عرق از تن دفع کند.

خواب غیرطبیعی سه نوع است: اول، از فساد مزاج روح و اندام‌ها؛ دوم، از زیاد شدن آمیزش خون و صفرا و بلغم و سودا؛ و سوم، از خوردن غذاهای غلیظ. مزاج خواب، سرد و تر است، زیرا ماده‌ی آن از سردی و تری مغز ظاهر شود؛ و دلیل این است که چون بر دماغ کسی گرمی و خشکی غالب شود، آسایش نیابد؛ اگر سردی و تری غالب شود، وی بسیار می‌خوابد و از خواب سیر نمی‌شود. پس اگر

کسی گفت چه گونه دانستی که خواب فعلی ست از افعال مغز، و خواب چه ارتباطی با قدرت تخیل و تفکر و عقل دارد؟ جوابش آن است که، باز دانستم از خفتن به هر سه قوت ضعیف و خلل یافتم، پس، از عقل بدانستم که همچنان پست ایستادن است و خفتن بر آسایش دلیل است و آسایش قوت‌های دماغ است. پس به این دلیل به من ثابت شد که خواب فعلیست از افعال مغز. مؤلف، شرح خواب طبیعی و غیرطبیعی و ضعف قوت تخیل و تفکر و ذکر را با دلایلی از احوال حکما در کتاب کفایه الطلب آورده است.

« فصل دوم: قسمت‌های خواب و عجایب آن

دانیال: خواب در اصل دو چیز است: یکی آگاه کند از حقیقت حال‌ها، دوم پیداکننده بر سرانجام کارها؛ و این دو اصل بر چهار قسم است: اول، خواب آمر؛ یعنی، فرماینده. دوم، زاجر؛ یعنی، بازدارنده. سوم، منذر. چهارم، خواب مبشر؛ یعنی بشارت دهنده است. عبدالله عباس گوید که رسول خدا(ص) فرمود: «الرُّؤْيَا ثَلَاثَةٌ أَقْسَامُ قِسْمٌ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ فِي حَيَاتِهِمْ وَ الثَّانِي مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الثَّلَاثُ أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ.» یعنی: دیدن خواب بر سه قسم است: یک قسم، از خدای تعالی بشارت مؤمنان را در زندگانی ایشان؛ دوم، قسمتی از وسوسه‌ی شیطان است که مؤمنان را اندوهگین گرداند؛ سوم، خواب‌های آشفته و مختلف.

حضرت صادق(ع): خواب بر سه قسم است: اول، خواب محکم؛ دوم، متشابه؛ سوم، اضغاث و احلام. خواب اضغاث و احلام را چهار گروه مردم بینند: یک گروه، کسانی که طبعشان به فساد رفته باشد؛ دوم، کسانی که در حالت مستی خوابیده باشند؛ سوم، کسانی که طعام غلیظ، چون: بادنجان، نمک، عدس و ترشی‌ها و غیره خورده باشند؛ چهارم، کودکان نابالغ.

ابن سیرین: خواب بر دو نوع است: یکی خواب محکم، که درست و راست باشد؛ نوع دوم را اضغاث و احلام گویند؛ یعنی، خواب‌های مختلف و درزها و گیاه که به عربی اضغاث نامیده می‌شود؛ زیرا هر نوع گیاه، از تر و خشک و سبز و زرد و سرخ و غیره در این باشد. این نوع خواب را که اضغاث و احلام خوانند، خود بر سه نوع است: نوع اول، از اغلب طبع؛ نوع دوم، از نمایش شیطان؛ و نوع سوم، از حدیث نفس.

کرماتی: خواب بر سه قسم است: اول، بشارت بود از خدای عز و جل؛ دوم، آن بود که شیطان وسوسه کند مردم را؛ و سوم آنکه، مردم با نفس خویش سخنی گویند که از هوس، آن سخن را در خواب بینند. اما خواب راست را فرشته‌یی نماید از فرشتگان مقرب؛ و آن فرشته از لوح محفوظ به مردم از بهر بشارت به چیزی که مردم کرده باشند یا خواهند کرد؛ یا وی را بترسانند، به سبب گناهی

که کرده بود یا خواهد کرد، تا بنده پناه گیرد به خدای عزوجل و از وی بترسد و زنده شود تا شَر آن خواب از وی رفع شود و خیر آن زود به بنده برسد؛ و از این سبب است که چون مردم خواب ببینند و فراموش کنند، وی را گویند توبه کن، که فراموش کردن خواب معصیت است، زیرا نماینده‌ی خواب، فرشته‌یست از لوح محفوظ.

جابر: خواب بر دو نوع است: یکی راست، و دیگری دروغ. اما خواب راست، خود بر سه نوع است: اول، تبشیر؛ دوم، تحذیر؛ سوم، الهام. خواب تبشیر، خوابیست که خداوند فرشته‌ی رؤیا را بر لوح محفوظ بنده موکل کرده، تا حوادث و سرنوشتی که در انتظار بنده است، به او نشان دهد. پس چون کسی را بشارت خواهد رسید در کارهای دنیا و آخرت، آن فرشته به حکم الله تعالی آن کسی را در خواب بنماید از بهر دو چیز؛ یکی از بهر پند دادن مسلمانان، دوم از بهر حجت گرفتن از کافران در روز قیامت.

خواب تحذیر آن است که ایزد تعالی فرشته‌ی رؤیا را مأمور کند، تا در خواب راه‌گناه و معصیت را به بنده نشان دهد، و او را بر حذر کند از آن راه. خواب الهام آن است که ایزد تعالی فرشته‌ی رؤیا را مأمور کند، تا در خواب راه‌های نیک، طاعت، بندگی، ظلم نکردن، از گناهان دوری کردن و از معاصی توبه کردن را به بنده نشان دهد. قوله تعالی: «و توبوا الی الله جمیعاً ایها المؤمنون لعلکم تفلحون». بدان که، خواب دروغ بر سه نوع است: یکی، همت؛ دومی، علت؛ و سومی، خواب شیطان (آشفته) است. اما خواب همت آن است که مردم در بیداری فکری کنند، و در خواب، همان اندیشه ببینند. این خواب اصالت نداشته و تعبیری ندارد. خواب علت آن است که کسی از درد ناحیه‌یی از بدن خود در خواب بنالد. این نوع خواب نیز بی‌اصالت است و تعبیر ندارد؛ چنان‌که خداوند در کلام الله مجید فرمود: «قالوا اضغاث و احلام و ما نحن بتعبیر الاحلام بعالمین». علی بن ابیطالب (ع) فرمود: از عجاییبی که خداوند عالم آفریده است، یکی خواب است، و آنچه را در خواب ببیند از خیر و شر.

ابن سیرین: از عجایب خواب، یکی آن است که مردی در خواب، خیر و راحت یا شر و آفت ببیند، و همان در بیداری به سرش آید. از عجایب دیگر خواب، یکی آن است که بسیاری از مردم به خواب خواب‌بیننده می‌آیند، که در بیداری نیز چنان شود. دیگر اینکه، برخی از مردم جاهل ممکن است در خواب سخن‌هایی گویند حکیمانه، چنان‌که هیچ عالمی نتواند چنان سخن گوید، و چون بیدار شود، آن سخن‌ها را می‌تواند بازگو کند.

جابر: از عجایب خواب، یکی آن است که مرد در خواب لغت‌های غریب بگوید و تفسیر بگوید و

تفسیر آن کند، و به بیداری از آن هیچ نداند.

کرمائی: از عجایب خواب، یکی آن است که مردم در خواب چیزی ببینند، که وی را باشد؛ و تعبیر چنان بود که در خواب دیده، و آن، فرزند وی را بُود یا برادر وی را؛ چنان که یکی در خواب دید که ابوجهل مسلمان شد؛ و تعبیر آن خواب در مورد پسرش اکرم انجام شد. مردی در خواب دید که اسید امیر مکه مسلمان شد. به پسر وی عقاب اسید رسید. چون کودکی خواب ببیند، خوابش برای مادر یا برادرش تعبیر شود. اگر بنده‌یی خواب ببیند، خوابش برای خواجه تعبیر شود، و مثال‌های دیگر.

« فصل سوم: یاد کردن نفس و روح

خدا در قرآن مجید فرماید: «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنفُسَ حِيْنَ مَوْتِهَا وَ الَّتِي لَمْ تَمُتْ فِى مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِى قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَ يَرْسِلُ الْاٰخِرٰى اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى.» خداوند خبر کرد ما را، که نفس را با خویشتن گیرد و در بیداری باز گذارد و آن مرد را باز نگذارد. معنی توفی در اینجا استفاده بود. در میان علما و حکما در نفس و روح خلاف است. بعضی از معبران گفته‌اند که هر دو یک هستند؛ یعنی، نَفْس و روح، جان است؛ و بر این دلیل آرند و گویند که نَفْس در کلام عرب هشت معنی دارد: تن، جان، خون، آب، بردار، همت، هستی و چشم بدر. روح در عربی ۱۲ معنی دارد: جان، نسیم باد، کلام خدای تعالی، جبرئیل، رحمت خدای تعالی، وحی، فراخی، افسونی که بر کسی خوانند، عیسی، زندگانی که در آن مرگ نباشد، فرشته که او به تن خویش یک صفت دارد و همه فرشتگان یک صفت، و در دیدن، بوره گویند، که بیننده‌ی خواب، جان است، که از تن بیرون آید و به آسمان رود به فرمان خدای تعالی، و هر چه دیده یا شنیده است، یاد می‌دارد و باز در تن آید؛ و بر همین قول حجت دارند.

در خبر است از پیامبر (ص) که اگر بنده طاهر باشد، ذکر حق تعالی بر زبان دارد. اگر با این صفت بخوابد، جان او را به آسمان برند. بعضی گفته‌اند که این معنی درست نیاید، از این سبب که اگر جان از تن بیرون نرفت، فرد خوابیده حرکت و تنفّس نکند. پس این هر دو در فرد خوابیده است، و تعبیر این است که، جان از تن بیرون نرود. بعضی از حکما گفته‌اند که، روح به فارسی جان بود؛ و آنچه دید، جان را خبر کند؛ و بر این قول دلیل آرند و گویند: مَثَل جان، چون آفتاب است و مَثَل روان، روشنی آفتاب. اگر قرص آفتاب در فلک خویش است، روشنی او در همه جهان گسترده است. بعضی از فلاسفه گفته‌اند که، جان و روان از اصل یکیست از راه خرد؛ پس فرقی نیست میان ایشان، زیرا که صفتشان به قیاس عقلی، چون یخ از آب است و آب از یخ.

بدان که، نفس به نزد ارسطاطالیس مبدأ اول است، و او بزرگتر و شریفتر از روح است. صفت نفس و روح از اقوال حکما و فلاسفه در کیامات که نامش ثمار السائل مشروح تر از این بیان کرده شد، تا این قدر معلوم بود. اما در نزد اهل اسلام، روح امریست از امرهای باری تعالی؛ چنان که در کلام الله مجید یاد کرده، قوله تعالی: «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي..» یعنی: ای محمد! سؤال می کند تو را از جان؛ بگو که جان از امر خداست. ما را بحمدالله والمنة اعتقاد به قول باری تعالی و اخبار پیامبر (ص) می باشد. اما از گفته ی آنچه پیش از این یاد کرده شده، مقصود این بود که کتاب از قول حکما خالی نباشد. ایزد تعالی ما را به طریق شرع و سنت پیامبر (ص) و ولایت اهل بیت (ع) نگاهدارد، و توفیق خیر و طاعت ما را کرامت کند.

فصل چهارم: معرفت درستی خوابها

کرمائی: هر که خواهد که درستی خواب خویش را به دلیل و علامت نیک بداند، باید جهد کند که با طهارت بر پهلوی راست بخوابد، و به هنگام خفتن، خدای تعالی را یاد کند و غذای زیاد نخورد، و نه سیر باشد نه گرسنه. چنانچه شخص با رعایت موارد فوق بخوابد، رؤیایی که می بیند، راست آید و خواب را فراموش نکند.

روایت است از سلمان (رضی الله عنه) که، مردی اعرابی به خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! دیشب چنین خوابی دیده ام. و خوابی آشفته آغاز کرد. رسول خدا فرمود: ای اعرابی! دیشب چه خورده بودی؟ اعرابی عرض کرد: یا رسول الله! دیشب مقدار زیادی خرما ی پخته خوردم. رسول خدا فرمود: این خواب تعبیر ندارد، زیرا علت خواب تو پُرخوری بوده است. معبران ناشی خواب های زیادی را تعبیر می کنند، و تعبیر آن درست از آب در نمی آید؛ که علت، عدم رعایت نکات دقیق مربوط به خواب است. پس معبر باید که از دانستن دقایق مربوط به تعبیر خواب غافل نباشد و اطلاعات لازم را از سائل بپرسد، و بعد از آن به تعبیر خواب اقدام کند، تا آنچه گوید، درست در آید.

ابن سیرین: برخی از مردم خواب می بینند، ولی تعبیر خواب آنها مربوط به خودشان نبوده و ممکن است برای یکی از نزدیکان آنها باشد. چنان که خواب کودک نابالغ بر پدر و مادرش تعبیر شود. اگر زن خواب ببیند، بر شوهرش تعبیر شود. قوله تعالی: «فَقُرُوا إِلَى اللَّهِ أَنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ.» تعبیر گریختن از بیم حاکمان در زندگانی، این است که خواب بیننده در امان حق تعالی بود. قوله تعالی: «وَلِيَبْدَلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.» و از این معنی تعبیر بسیار است، و هر یک در جای خود بیان شود.

◀ فصل پنجم: معرفت خواب راست و دروغ

همچنان که مردم در شکل و طبایع و سخن گفتن به یکدیگر نمانند، خواب هر یکی و هوای شهر هر کسی به یکدیگر نماند. چون بر طبع مردم خون غالب شود، از بسیاری گوشت و حلوا و شراب و چیزهای سرخ ببینند و او از بریط و چنگ و شغانه شنود و آنچه بدان ماند، چون معبر در وی نگرد و گونه سرخ بود و تن وی فربه ببینند و روی به نشاط و خرمی، نه به وقت هنگام خود؛ بدان که آن علت، غالب شدن خون است و آن خواب را اصلی نیست. و چون بر طبع مردم، صفرا غالب شود، از خوردن چیزهایی چون سیر و پیاز و فلفل و چیزهای گرم و خشک، در خواب آتش و چراغ و قندیل و گرما و چیزهای بسیار سرد ببینند، و چون معبر، وی را زردگونه ببیند و لاغر و در وی تیزی حرکت ببیند و سخن بسیار گوید، داند که صفرا بر وی غالب شده و خواب وی را اصلی نبود، زیرا که خیرگی صفراست. چون بر طبع مردم بلغم غالب شود، از خوردن چیزهای بلغم‌انگیز، چون: دوغ و ماست و شیر و غیره، در خواب نم و باران و برق و ژاله و برف و چیزهای سفید بسیار ببینند. اگر معبر نیک بنگرد، گونه‌ی او را فربه ببیند و در سخن وی گرانی ببیند، داند که بلغم بر وی غالب است و خواب وی را اصلی نیست، که سببش از بلغم است. چون بر طبع مردم سودا غالب شود، از خوردن چیزهای سودا، چون: گوشت گاو نمک‌سود و ترشی‌ها و بادنجان و غیره، در خواب مار و کژدم و سیاهی و تاریکی و چیزهای سهمگین بسیار ببینند. چون معبر بنگرد رویش تیره است و با حیرت و اندیشه، معبر بدانند که سودا بر وی غالب است و خواب وی تعبیر ندارد. معبر در این چیزها که گفتیم، به تأمل نگاه کند و خواب هر یک را نیک بپرسد و بر آن واقف شود، تا بنگرد که از چهار خلط کدام غالب است، تا این حال‌ها بر وی پوشیده نباشد؛ و چون بر احوال خواب‌بیننده واقف شد، خواب را چنان تعبیر کند که واجب باشد.

ابن سیرین: اگر عاشق و معشوقی یکدیگر را به خواب ببینند، یا شخصی به خواب ببیند که مشغول انجام کاریست که حرفه‌ی روزانه‌ی اوست، مثلاً آهنگری خواب ببیند که مشغول آهنگریست و مثال‌های دیگر، بر معبر واجب است که چون خواب را به طور کامل از خواب‌بیننده بشنید، از او بپرسد که دیشب چه خوردی و به چه اندیشه خوابیدی، تا بتواند تعبیر واجب کند.

اگر کسی به خواب ببیند که در میان برف و یخ و سرما گرفتار است و چون بیدار شود، لحاف از رویش کنار رفته باشد؛ یا در خواب ببیند بسیار گرمش شده یا به حمام رفته و چون بیدار شود، ببیند که لحاف را به دور خود پیچیده است، برای این نوع خواب‌ها هیچ تعبیری وجود ندارد، زیرا سبب این گونه خواب‌ها، شرایط خوابیدن است؛ اگر وی درست بخوابد، چنان خوابی را نخواهد دید.

اگر کسی خواب ببیند که از دردی می‌نالد و درد بر اندام وی افتاده بود و وی را رنجور داشت، چون بیدار شود، آن درد و عذاب را از ناراحتی عضو دردناک خود خواهد دید. اگر کسی به خواب ببیند که در جایی آدرار می‌کند، چون بیدار شود، متوجه می‌شود که به شدت آدرار دارد. این چنین خواب‌ها را اصلی نباشد و تعبیر ندارد، و به آنها خواب‌های اضغاث و احلام گویند.

◀ فصل ششم: دانستن خواب بی تفاوت

ابن سیرین گوید: خواب از دو حال بیرون نباشد: یا مؤمن است یا کافر؛ و اصل آن بر سیزده نوع است: اول، خواب قاضیان؛ دوم، خواب فقها؛ سوم، خواب علما؛ چهارم، خواب آزاده‌ها؛ پنجم، خواب بندگان؛ ششم، خواب مردان؛ هفتم، خواب زنان؛ هشتم، خواب مستوران؛ نهم، خواب فاسقان؛ دهم، خواب توانگران؛ یازدهم، خواب درویشان؛ دوازدهم، خواب بالغان؛ و سیزدهم، خواب نابالغان. خواب قاضی، افضل است از خواب دیگران، زیرا که فضل و عدل و انصاف و نظر کردن در کار خاص و عام و گشادن کارها وظیفه‌ی قاضیان است. خواب فقها و علما افضل است، زیرا خدای تعالی ایشان را توفیق داده تا خلق را بر راه راست آورند و به طاعات و خیرات تشویق نمایند و از معصیت دور کنند. خواب مردان افضل است بر خواب زنان! قوله تعالی: «الرَّجُلُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» و جای دیگر فرمود: «فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» و جای دیگر فرمود: «فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ» ایزد عز و جل صبر و خُرد و رای و عمارت و بزرگی و شجاعت و سخاوت و قضا و پارسایی و عدالت و غیره را در نهاد مردان قرار داده است! خواب صالحان افضل است از خواب فاسقان، زیرا صالحان به نیکی و طاعت میل کنند و از معصیت دور باشند؛ و خواب فاسقان در روز قیامت حجت بر ایشان باشد، چنان‌که بر کافران، زیرا که فاسق بر معصیت اصرار کند و به روز قیامت نیندیشد. پیامبر (ص) فرمود: «الْبَيْدُ الْعَلِيَّ خَيْرٌ مِنَ الْبَيْدِ السَّفْلِيِّ» یعنی: دست بخشنده بهتر از دست ستاننده است. خواب گدایان را اصلی نیست، زیرا گدایان همواره دل را به غم و اندوه و اندیشه‌ی عیال و فرزندان مشغول دارند. چون درویشان خواب نیکو ببینند، اثرات دیر پدید آید؛ و چون خواب بد ببینند، سریع تعبیر می‌شود، اما خواب توانگر بر خلاف این بود. خواب کودکان نابالغ ضعیف است، زیرا شهوت بر ایشان غالب است و ادب و عقل کامل ندارند. بعضی از معتبران گویند، اگر کودک نابالغ خواب نیکو ببیند، نیکی آن بر پدر و مادر بود، و بدی آن زیان ندارد. خواب کودکان نابالغ را دو قول است: یک قول این است که خواب ایشان درست و راست‌تر بود و حکمتش زودتر پدید آید، زیرا دل کودک رنگ گناه نگرفته و از شغل دنیا فارغند؛ قول دیگر آن است که خواب کودک تعبیر ندارد، زیرا عقل و آگاهی کودک به کمال نرسیده. همچنین برخی از

معتبران گفته‌اند که، خواب آدم مست و فرد جنب و زن حائض تعبیر ندارد. اما این سیرین خلاف این را گوید، زیرا مشرک، جهود و ترسا که غسل جنابت نمی‌کنند و دایم الجنب هستند، خوابشان تعبیر ندارد.

روایت است که، صفیه بنت وحی در خیبر به خواب دید که ماه و آفتاب در کنار هم هستند. چون از خواب بیدار شد، امیر خیبر را از آن خواب باخبر کرد. امیر مشتی بر صورت صفیه زد و گفت: اگر این خواب راست باشد، محمد (ص) خیبر را تخسیر کند و تو را به زنی گیرد. روز دیگر محمد (ص) خیبر را گرفت، و لشکر اسلام صفیه را پیش وی آوردند. حضرت رسول (ص) از صفیه پرسید: که این کبودی صورت تو از چیست؟ عرض کرد: یا رسول الله! من چنین خوابی دیدم. و قصه بگفتم و همچنان خواب وی راست آمد.

◀ فصل هفتم: فرق میان خواب

کرمانی: خواب مسلمانان بهتر است از خواب کافران؛ و خواب دانا بهتر و راست‌تر است از خواب جاهل؛ و خواب صالح بهتر از خواب فاسق است؛ و خواب مرد نیکوکار بهتر از خواب مرد بد کردار است. قوله تعالی: «ام حَسِبَ الَّذِينَ احْتَرَسُوا لَكُمْ كِتَابَ هَذِهِ اَنْ تَنْجِعَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ». خواب پیر بهتر و راست‌تر از خواب جوان است؛ و خواب جوان بهتر و راست‌تر از خواب کودک است. پس معتبر باید به وقت گذاردن خواب، سؤال و الفاظ پراکنده کند و جمله را قیاس اصلی راست کند؛ چنان که لفظ اول را به آخر برد و لفظ آخر را به اول آورد، آن وقت تعبیر کند، و هر کدام لفظ را قوی‌تر ببیند، به اصول همان لفظ تعبیر کند، تا جوان و زن کلام را نگاه داشته بود تا وی را غلط نیفتد و آنچه گوید، درست و صواب گوید. چون علمای قدیم به این سان کردند و آنچه گفتند، صواب و راست آمدی.

مردی از ابن سیرین سؤال کرد: به خواب دیدم که اذان می‌گفتم. ابن سیرین گفت: تعبیرش این است که به حج روی. در همان وقت مرد دیگری به او گفت: در خواب اذان می‌گفتم. ابن سیرین گفت: تعبیر خوابت این است که تو را به دزدی متهم سازند. شاگردان گفتند: یا استاد! در یک ساعت یکی را تعبیر حج کردی، و دیگری متهم به دزدی، در حالی که صورت هر دو خواب یکی بود، پس علت چیست؟ ابن سیرین گفت: درون یکی را خیر دیدم، حج‌گذاری «و اذن فی الناس بالحج یا توک رجالا»، و بر آن دیگری سیمای بد دیدم، و گفتم که تو را به دزدی متهم کنند «ثم اذن مؤذن ایتها العیر انکم لسا رقون».

حضرت صادق (ع) فرماید: خوابی که به روز بینند، تعبیر آن در چند روز می‌شود؛ و خوابی که در

شب بینند، تعبیر آن شش ماه بود و دورتر تا یک سال و گاه تا بیست سال؛ چنان که خواب یوسف بعد از بیست سال تعبیر شد. و باشد خواب تا چهل سال بکشد؛ چنان که پیامبر در کشتن امام حسین (ع). و آن، چنان بود که پیامبر (ص) به خواب دید که یکی خون او خورد. و بعد از چهل سال امام حسین را کشتند.

جابر: تعبیر خواب شب قوی تر از خواب روز بود. خوابی که در اول شب ببیند، درست نباشد، زیرا سببش تفکر و اندیشه و امتیال بود. خوابی که نیمه شب ببیند، درست نباشد، زیرا که اضعاف و احلام بود که شیطان به مردم نماید. بهتر و درست ترین خواب ها آن است که سحرگاه، به وقت صبح یا بعد از صبح دیده شود، زیرا که خواب سحرگاه را فرشته مقرب از لوح محفوظ به مردم نماید؛ پس بدان سبب، تعبیرش درست و راست بود.

ابن سیرین: خوابی که در اول شب ببیند، حکم تعبیرش به چهل سال تمام شود. اشعث گوید: بسیار خواب هاست که تعبیرش دیر به ظهور رسد. اگر نیمه شب خوابی ببیند، حکم تعبیرش به پنج سال ظاهر شود. اگر سحرگاه ببیند، حکم آن ده روز ظاهر شود. خلاصه، هر چه خواب به روز نزدیک شود، تعبیرش زودتر و درست تر بود.

◀ فصل هشتم: دانستن علم زجر و فال

دانیال: هر که خواهد تعبیر کند، ناچار بود او را از آنکه علم زجر و فال که حکمای قدیم آزموده یاد کرده اند آن را نیک بداند. چنان که اگر کسی از خواب بگوید، معبر باید که نام او بپرسد؛ اگر نامش دلیل بر خیر کند، چون: احمد و محمد و علی و حسن و حسین و نعمت و فضل و سهل و بشیر و حبیب و محبوب و فتح و فرج و صالح و مانند این، بماند که این جمله دلیل بر خیر و نیکی بود و خرمی که بدان کس رسد؛ اگر نامش به خلاف این بود، دلیل بود بر شر و غم و اندوه که به او رسد. چون سائل از وی تعبیر خواهد، می پرسد و معبر در آن زمان از پیش خود اسب و استر یا خر ببیند، تعبیر این است که، خوابش نیکو بود و نیز آن کس سفر کند، خاصه که اسب و استر را با زین و لگام در خواب ببیند؛ قوله تعالی: «والخیل و البغال و الحمیر لترکبوها و زینه». اگر سائل از وی تعبیر بپرسد و در آن زمان کلاغ بانگ کند، دلیل بر خیر و نیکی بود که به او رسد. اگر کلاغ دوبار بانگ کند، دلیل بر شر و بدی بود که به او رسد.

جابر: مردی خوابی دیده بود و از عبدالله ابن عباس تعبیر پرسید؛ در آن وقت، کلاغی پیامد و بر دیوار خانه ای آن مرد بنشست و دوبار بانگ کرد و پرید. عباس گفت: این خواب دلیل بر مضرت و اندوه است که به تو رسد. پس در آن هفته دزدی دیوار خانه ای او را سوراخ کرد و آنچه داشت، جمله

را ببرد. عبدالله یارانش را گفت: من شما را گفتم که چون کسی تعبیر خواب را پرسید و کلاغ دوباره بانگ کند، بر مضرت بود؛ اگر چهار بار بانگ کند، تعبیر خیر و نیکی بود؛ اگر شش بار بانگ کند، بسیار خوب باشد و هر آرزویی را نیت کند، زود برآورده شود.

ابن سیرین: زجر و فال مرغ آن است که اگر کلاغ بانگ فرد کند؛ یعنی یک بار یا سه بار یا پنج بار، دلیل بر نیکویی بود، و علامت آن بود که صاحب خانه به مرادش رسد. بدان که، خواب‌های پاییز و زمستان تعبیری ضعیف‌تر از خواب‌های بهار و تابستان دارند.

حضرت صادق (ع): خواب را فالی در گروست؛ و این فال چنان بود که مردی به نیتی بخواهد، و خواهد که احوال نیک و بد آن را بداند. اگر در خواب، گوسفند یا بره یا اسب و مانند این چیزها ببیند که از گوشت او می‌خورد، این جمله نیک بود و علامت آن بود که مراد او حاصل شود. اگر در خواب، شتر و مار و کژدم و سگ و مؤمن ببیند، اینها بد بود و کارش مطابق میلش درست نشود. اگر دید که دری بسته برای وی باز شود و یا طعام شیرینی یافت و از آن خورد، تعبیر این است که، مراد وی حاصل شود و به کام دل برسد. اگر بر خلاف این ببیند، بد بود.

«فصل نهم: معرفت خواب فراموش شده»

حضرت صادق (ع) فرماید: اگر کسی خوابی که دیده است، فراموش کرده و مایل است بداند چه خوابی دیده است، معتبر باید نام او را پرسد و حرف‌های نامش را بشمارد و از آن پس نه نه طرح کند و باقی را نگاه دارد، و مشخص کند که چند تا باقی مانده است؛ به طور مثال، اگر ۹ مانده بود، خواب شهرها را دیده است و تعبیرش فساد است؛ قوله تعالی: «وكان في المدينة تسعة يُفسدون في الارض ولا يُصلحون». اگر هشت باقی بماند، در خواب سفر یا ازدواج دیده است؛ قوله تعالی: «ثمانی حجج فان اتممت عشراً فمن عندي». اگر هفت باقی بماند، دلیل بر دکان و سکان بود؛ قوله تعالی: «و يقولون سبع بقرت ياكلهن سبع عجاف». اگر شش مانده بود و خواب‌بیننده صالح و مستور بود، فرشتگان و مردمان صالح را به خواب دیده است، و تعبیرش تمامی شغل او بود؛ قوله تعالی: «خلق السموات و الارض في ستة ايام ثم استوى على العرش». اگر پنج یا چهار باقی ماند، به خواب اسب‌ها و سلاح‌ها دیده است. «في اربعة ايام سواء للسائلين». اگر سه باقی ماند، با کسی راز گوید؛ قوله تعالی: «ما يكون من نجوى ثلاثة الا هو رابعهم»، و جای دیگر فرمود: «ثلاثة ايام الارمأ». اگر دو مانده بود، با کسی دیدار کند که او را به دین و دنیا منفعت رساند؛ قوله تعالی: «ثانی اثنین اذهما فی الغار» و تعبیرش آن است که از آنچه ترسد، ایمن شود و آنچه امید دارد، به او رسد. اگر یک ماند، مردی بزرگوار یا پادشاهی را به خواب دیده است؛ قوله تعالی: «سبحان هو الله الواحد القهار»،

و تعبیرش این است که حاجت‌های او روا شود و رنج و سختی تمام شود و به مقصود و مراد برسد.

ابن سیرین: اگر کسی خوابی دیده و آن را فراموش کرده باشد و معتبر می‌خواهد که خواب وی را بداند، باید به خواب‌بیننده بگوید که دستش را روی یکی از اندام‌هایش بگذارد. اگر خواب‌بیننده دستش را بر سرش نهاد، در خواب، کوه دیده. اگر دستش را بر پیشانی نهاد، به خواب، تل و زمین دیده است. اگر دستش را روی چشمش گذاشت، چشمه‌ی آب شور به خواب دیده. اگر دستش را روی بینی نهاد، دامنه‌ی کوه را به خواب دیده، اگر دستش را روی صورتش نهاد، مرغزار به خواب دیده. اگر دستش را روی دهانش نهاد، چشمه‌ی آب شیرین به خواب دیده. اگر دستش را روی گوشش نهاد، مفاک کوه (غار) به خواب دیده. اگر دستش را روی ریش و سبیلش نهاد، گیاه‌زاری را به خواب دیده. اگر دستش را در گلویش فرو برد، کاریز یا نقب به خواب دیده. اگر دستش را روی سینه و قلبش گذارد، مسجد یا عبادتگاه به خواب دیده. اگر دستش را روی شکمش نهاد، روداب به خواب دیده. اگر دستش را روی نافش نهاد، مغال زمین دیده. اگر دست بر عورت نهاد، مصطبه دیده. اگر دست روی کتف خود نهاد، کوشک یا منظره‌یی به خواب دیده. اگر دست بر ساعد نهاد، درخت‌هایی را در خواب دیده است. اگر دستش را روی انگشتان خود نهاد، درخت خرما دیده. اگر دست بر پشت خود نهاد، بیابان دیده. اگر دست بر پهلوی نهاد، رختخواب یا اتاق خواب دیده. اگر دست بر مقعد نهاد، مزبله دیده. اگر دست بر سرین نهاد، ستونی سبز یا درختی بزرگ در خواب دیده. اگر دست بر زانو نهاد، کریوه به خواب دیده. اگر دست بر ساق نهاد، درخت بی‌حاصل یا یک ستون و امثالهم را به خواب دیده. اگر دست بر کعب نهاد، تل خورده دیده. اگر دست بر انگشت پای نهاد، پشنه‌ی خورده به خواب دیده است.

دانیال: اگر کسی خوابی دیده و فراموش کرده باشد، علت ممکن است چهار چیز باشد: بسیاری گناه، کردار بد، ضعف نیت و اعتقاد و اختلاف طبع بود، که طبیعت از حال اعتدال گشته بود، لاجرم زود خواب را فراموش کند.

◀ فصل دهم: گذاردن خواب به قول جهال

کرمانی: عامه‌ی مردم چنین تصوّر می‌کنند که اگر کسی خواب خود را برای فردی که از علم تعبیر هیچ نمی‌داند، تعریف کند، تعبیر خواب وی همان باشد که فرد نادان گفته است. اما چنین تصوّری، غلط است و هیچ اصلی ندارد. لیکن حکما و معتبرین مشهور گفته‌اند که، خواب‌بیننده از روی احتیاط نباید خواب خود را برای غیر اهل تعبیر بازگوید. خواب‌های طبیعی که معتبرین برای آنها تعبیرهای مشخصی را ذکر نموده‌اند، چون در حالت خواب به امر الهی و توسط فرشتگان به ضمیر

ناخودآگاه انسان نازل می‌شود، باید به قدری برای آنها اهمیت قائل شویم، که از تعریف آنها برای نادانان پرهیز کنیم. حق تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «قل هل یستوی الذی یعلمون و الذین لا یعلمون.» و پیامبر (ص) فرمود: «لا یستوی العالم و الجاهل.» بنابراین خوابی که توسط فرشته بر انسان وارد می‌شود، چون پیامیست از جانب پرودگار متعال؛ تعبیرش هر چه باشد، دقیقاً همان خواهد شد، و هیچ کسی توان تغییر پیامدهای یک خواب طبیعی تعبیردار را ندارد. علی‌هذا، چه بهترین معبر خوابی را تعبیر کند و چه یک فرد جاهل، در باز شدن تعبیر هیچ فرقی نمی‌کند؛ بلکه فرق این است که جاهل تعبیر درست را نمی‌داند و با گفتن تعبیری نادرست، خواب‌بیننده را گمراه می‌کند و او را نمی‌تواند از پیام خواب آگاه کند؛ اما معبر چون از علم تعبیر مطلع است و تعبیر خواب را درست می‌گوید، خواب‌بیننده باید به تعبیر وی اعتماد کند و بر اساس پیام الهی که از طریق تعبیر درست به او رسیده است، او باید خود را برای پیشامدهای خوشایند یا ناخوشایند آماده کند. اگر تعبیر ناخوشایند است، خواب‌بیننده می‌تواند به گونه‌ی خود را آماده کند که از خطر خبر داده شده، حداقل آسیب را ببیند و حتّاً خود را از خطر برهاند. لذا نتیجه می‌گیریم که باید خواب خود را برای هیچ کسی جز یک معبر آگاه بازگو نکنیم، و یا از این کتاب کمک بگیریم، تا تعبیر درست خواب را دریابیم. اگر گفته می‌شود که نباید خواب خود را برای افراد نادان بازگو کنیم، منظور از نادان، افراد بی‌سواد یا دیوانه نیست، بلکه هر فردی که علم تعبیر خواب را به زور کامل نداند، از این لحاظ نادان محسوب می‌شود.

حکما گفته‌اند که، تعبیر یک خواب طبیعی هر چه باشد، اتفاق خواهد افتاد، مگر اینکه شاید با دعا و صدقه دادن به مستحقّ واقعی، اتفاق ناگوار دفع شود. حضرت یوسف می‌فرماید: جاهلان هر چند عبادت کنند، خواب حق باطل نشود و خواب باطل حق نشود. عبادت آن باشد که از روی دانش و اعتقاد باشد؛ و لذا عبادت مورد قبول حق تعالی، عبادت‌یست که فرد عالم کند.

◀ فصل یازدهم: ایجاد تغییر در تعبیر خواب‌ها

تعبیر خواب، به وقت خواب، حالت خواب‌بیننده در هنگام بازگو کردن خواب، شغل خواب‌بیننده، دین خواب‌بیننده و غیره نیز بستگی دارد. به طوری که اگر کسی در شب خواب ببیند که بر فیل نشسته بود، تعبیر این است که، شغل بزرگی یابد؛ حال اگر همین خواب را در هنگام خوابیدن در روز ببیند، تعبیر این است که، زن خود را طلاق دهد. اگر در خواب ببیند که پرنده‌ی سنگ‌خواره بگرفت، تعبیر این است که، کار وی به دست یک نامرد افتد؛ اما اگر همین خواب را در روز ببیند، تعبیرش این است که بیمار شود.

امام صادق (ع): تعبیر خواب بر حسب دین، شغل و ظاهر مردم ممکن است فرق کند. به طوری که ممکن است یک خواب برای فردی رحمت باشد و برای فرد دیگر عذاب و رنج؛ قوله تعالی: «مغلولة غلت ایدیهم و لعنوا بما قالوا» روایت است که، پیامبر (ص) میان ابوبکر و سلمان فارسی برادری نهاد. سلمان، ابوبکر را در خوابی دید و به سبب آن خواب، از او دوری کرد. ابابکر گفت: ای برادر! چرا از من دوری می‌کنی؟ سلمان گفت: تو را در خواب دیدم که دست را به گردنت بسته بودی. ابابکر گفت: الله اکبر! دست من تا قیامت از شتر کوتاه شده است. سلمان این خواب را به پیامبر (ص) گفت، و پیامبر (ص) تعبیر همان کرد که ابوبکر گفته بود. ابن سیرین تعبیر آن کس که خواب دید بر منبر رفته است، چنین گفت که، اگر اهل صلاح باشد، بزرگی و شرف یابد؛ اگر اهل فساد باشد، گفתי برادرش کنند.

روایت است که زنی به پیامبر (ص) گفت: به خواب دیدم که ستون سقف خانه‌ام شکست. حضرت فرمود: شوهرت از سفر باز آید. بار دیگر آن زن همین خواب را دید و دوباره خدمت پیامبر (ص) رسید. این بار پیامبر (ص) نشسته بود و ابوبکر پیش وی بود. زن خوابش را گفت و تعبیرش را پرسید. ابابکر جواب داد: شوهرت بمیرد. هر دو خواب یکی بود، اما تعبیرش تغییر کرد؛ و این تغییر به خاطر مختلف بودن وقت بازگو کردن خواب و تغییر ظاهر زن بود.

اعشی به شعبی گفت: در خواب دیدم که در فروش گندم، به جای گندم به مردم جو می‌فروختم. شعبی جواب داد: شعر را به قرآن بدل کنی. گندم و جو از اصل تعبیر را عوض می‌کنند. اگر یکی از اصحاب همین خواب را ببیند، نیکو بود، اما در حکم تعبیرش تأخیر شود. خوابی که در فصل تابستان دیده شود، تعبیرش زودتر اتفاق افتد. در هر فصلی تعبیر خواب به نوعیست. اگر در فصل پاییز خواب ببیند، تعبیرش درست نیاید و ضعیف بود.

گویند مردی به ابن سیرین گفت: به خواب دیدم که هفتاد برگ از یک درخت را شمردند و به من دادند. ابن سیرین گفت: هفتاد چوب بر بدن تو بزنند! پس هم در آن هفته او را هفتاد چوب زدند. سال دیگر آن مرد همین خواب را دید و از ابن سیرین تعبیر خواست. ابن سیرین گفت: در این سال هفتاد هزار درم نقره به تو رسد. مرد گفت: همین خواب پارسال دیدم، گفתי هفتاد چوب بر بدن تو بزنند، و امسال این گونه تعبیر می‌کنی که هفتاد هزار درم نقره به تو رسد! تعبیر این خواب چگونه است؟ ابن سیرین گفت: پارسال که از من پرسیدی، وقت پاییز بود که درختان خشک بودند و برگ‌های درخت فرو ریخته؛ و حکم، آن بود که تو را معلوم کردم. اما اکنون فصل بهار است و درختان روی به اقبال دارند؛ و حکم، آن است که گفتم. پس در آن سال، هفتاد هزار درم نقره او را حاصل گردید.

دانایال: اگر از معتبر در اقبال روز، تعبیر خواب پرسند، یعنی از بامداد تا هنگام نیمروز، تعبیرش بر خیر کند. اگر بعد از ظهر تا شبانگاه پرسند، تعبیرش بر شر کند.

جابر: راست‌ترین خواب‌ها آن است که شخص در وقت سحر تا وقتی آفتابی برآید، خواب ببیند. اگر خواب در روز ببیند، وقتی آفتاب در وسط آسمان باشد، بهتر است. راست‌ترین خواب‌ها وقت شکفتن درختان و وقت رسیدن میوه‌هاست؛ و خوابی که در زمستان ببیند، از لحاظ تعبیر ضعیف‌تر باشد. تعبیر خوابی که در بهار دیده می‌شود، چون در این فصل جهان روی در اقبال دارد و برگ‌ها از درختان بیرون آیند و صحرا از سبزه و نباتات خرم شود، قوی باشد.

◀ فصل دوازدهم: آداب و شرایط تعبیر

دانایال: معتبر باید مردی مصلح و دانا و حلیم باشد، از راه معصیت و خطا دور باشد و هنگامی که از وی تعبیر پرسند، عقل و هوش او به جا باشد؛ خواب را از سائل به طور کامل بشنود و بداند که خواب‌بیننده حاکم است یا رعیت، مهتر است یا کهنتر، عالم است یا جاهل، غریب است یا آشنا، توانگر است یا درویش، مرد است یا زن، پیر است یا جوان، خواب را در روز دیده یا در شب، در تابستان دیده یا در زمستان، فارغ‌دل است یا درویش، و به هوش بود یا به اندیشه. چون این اطلاعات را بداند، هر یک را به قیاس عقلی تعبیر کند؛ و آنچه بر وی مشکل بود و نداند، به سائل بگوید که این خواب را ندانم. معتبرین باید بدانند، علی‌رغم اینکه ابن‌سیرین در علم تعبیر خواب داناترین بود، بیشتر خواب‌ها را تعبیر نمی‌کرد. روایت است از ابوالمقدم که گفت: من پیوسته نزد ابن‌سیرین حاضر بودم و ملاحظه می‌کردم که او از هر سی یا چهل خواب، یکی را تعبیر می‌کرد. معتبر باید اول خواب را به طور کامل بشنود و در آن تأمل کند؛ اگر خواب، طبیعی و درست باشد، آن را تعبیر کند. اگر حشوی در میان بود، آن حشورا نادیده بگیرد و بر اصل تعبیر کند. اگر مختلف باشد و هیچ‌یک دیگر نماند، آن خواب اضاغاث و احلام است. اگر معتبر خوابی را بشنود و تعبیر آن بد باشد، و نخواهد تعبیر بد را به خواب‌بیننده بگوید، باید به نوعی آن را بپوشاند و دیگر سؤالی نکند. در این گونه موارد، ابن‌سیرین خواب‌بیننده را از تعبیر خوابش مطلع می‌کرد، یا به شکلی نیکو چنان تعبیری را می‌پوشاند.

کرمانی: اصول، سه چیز است: اول، جنس؛ دوم، صنف؛ سوم، طبع. جنس، چون درختان و درکان و مرغان بود. و این همه، در تعبیر مردان، صنف آن است که معتبر نداند که این درخت و مرغ از چه چیز است و از چه صنف است. اگر درخت گردو بود، معتبر بداند که مرغ عجمی بود؛ زیرا که در عرب، درخت گردو نباشد. اگر درخت خرما بود، عربی بود؛ زیرا که خرما در عرب بیشتر بود. اگر مرغ

طاووس بود، مرد عجمی بود. اگر شتر مرغ بود، بدانند که مردی عرب بود؛ و بدانند که طبع درخت از چه نوع است، و تعبیرش بر نوع آن درخت کند. اگر درخت گردو بود، مرد توانگر بود، لیکن بد معامله و بخیل و شنیع بود؛ زیرا که چون گردو را تکان بدهی، بانگ دارد، و تا وی را نشکنی، مغزش بیرون نیاوری. اگر درخت خرما بود، کاری اختیار و آسان بود؛ چنان که حق تعالی در قرآن مجید فرماید: «كَثِيرَةٌ طَيِّبَةٌ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» و شجرة طيبة در اینجا درخت خرما می باشد. اگر مرغی بود که می پرید، بدانند که مردی سفرکننده بود. پس طبع مرغ نیز باید دانست. چنان که اگر کلاغ بود، مرد بدعهد و فاسق و نابکار باشد. اگر عقاب بود، پادشاهی ظالم و نابکار باشد. بیننده ی خواب باید راستگو و بادیانت باشد، و خواب خود را بدون کم و زیاد برای معبر تعریف کند. اگر کسی خوابی ببیند، و از آن خواب در ترس باشد، باید سه مرتبه آیه الكرسي بخواند و بگوید: «اعوذُ بِرَبِّ مُوسَى وَ اِبْرَاهِيمَ مِنْ شَرِّ رُؤْيَايِی الَّذِی رَایْتُهَا فِی مَنَامِی اَنْ تُضَرَّنِی فِی دِیْنِی وَ دُنْیَایَ مَعِیْشَتِی عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاُکَ وَ لَا اِلَهَ غِیْرُکَ». اگر بعد از آن نماز کند و صدقه دهد و خدای تعالی راستایش کند، خداوند شر آن خواب از وی بگرداند.

جابر: ابلیس در همه خوابها اعتراض کند و خویشتن را در همه چیزها مانند کند، مگر خدای عزوجل، پیامبران، امامان، فرشتگان، ماه، آفتاب، ستارگان و آفریده های عظیم، که حق تعالی برای صلاح خلق آفریده است؛ و بر قول پیامبر ما به این چیزها که یاد کردیم، بر صفت این چیزها خویشتن را نتواند نمود. اگر وی را قدرت بودی، خود را به صورت پیامبری نمودی و بسیار فتنه افکندی میان بندگان خدا؛ که گاه به صورت پیامبری درمی آورد و می گفت: من از تو خوشنودم! تو هر چه خواهی بکن. با دیگری گفتی که: من آفریدگار توأم. همه گناهان تو را عفو کردم. دل فارغ دار! و چیزهایی گوید که آن بنده همراه شود. پس ایزد تعالی شیطان را آنقدر توانمند نکرده است که بتواند خود را مثل آنان کند.

حضرت صادق (ع): هر گاه شیطان قصد کند خود را به صورت پیامبری درآورد، آتشی از آسمان فرود آید و وی را بسوزاند؛ و صعب ترین کارها بر ابلیس آن بود. لاجرم، دل مؤمن روشن و آراسته باشد به نور ایمان، و نیک از بد به قوت خداوند بداند. بعضی گفته اند، خوابی که مرد مؤمن ببیند، تعبیرش آن است که عنایت و الهام خداوند با او باشد.

◀ فصل سیزدهم: در نگهداشتن معرفت سائل

کرمانی: معبر باید صبر، خرد، آرامش و هشیاری کامل داشته باشد، و خواب خواب بیننده را خوب بشنود و دریابد که حاکم است یا رعیت. معبر باید بر دین، عقل و هوش خواب بیننده واقف شود و

بداند که سخن او راست است، و بداند که با چه اندیشه‌یی خوابیده بود و قبل از خواب چه خورده بود. ادب سائل آن است که خدای عزوجل را یاد کند و در وقت سؤال، خواب خود را راست بگوید؛ «اصدقاکم الرؤیا اصدقکم حدیثاً». یعنی: هر که راست‌گوتر باشد، خواب او راست‌تر خواهد بود.

حضرت صادق (ع): مردم عاقل را واجب بود که با طهارت بخوابند، و به هنگام خفتن، ایزد تعالی را یاد کنند و این دعا را در وقت خفتن بخوانند: «اللَّهُمَّ اَیْنَ الِیکَ نَفْسِی و وَجْهَتُ وَجْهَی الِیکَ و فَوَضْتُ امْرِی الِیکَ لَا مُلْجَاءَ و لَا مُنْجَا مِنْکَ اِنَّا الِیکَ تَبَارَکَ و تَعَالٰی اَنْتَ الْغَنِی و نَحْنُ فَقَرَاءُ الِیکَ و اَتُوْبُ الِیکَ یا رَبِّ اَنَا هَارِبٌ مِنْکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ رُؤِیَا صَادَقَةً غَیْرَ کَاذِبَةٍ صَالِحَةً غَیْرَ کَرَاهَةٍ سَارَةً غَیْرَ فَخْرِیَّةٍ نَافِقَةٍ غَیْرَ صَارَةٍ.» و بر پهلوی راست بخوابد و چون بیدار شود، ایزد عزوجل را یاد کند. اگر خواب نیکو دیده باشد، شکر کند و صدقه دهد. اگر خوابی شوریده دیده باشد «اعوذ بالله من الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ» گوید و سوره‌ی قل هو الله احد بخواند و بگوید: یا رب! تو دانی، و من ندانم؛ تو خیر این خواب را به من و مسلمانان برسان؛ اگر بد است، از من و همه مسلمانان دور کن؛ «یا ارحم الراحمین و یا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ!» و باید که به وقت خفتن و برخاستن و شروع هر کار، این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِی لَا یُضِرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ و لَا فِی السَّمَاءِ و هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیمُ.» و بامداد چون از نماز فارغ شود و در خویشتن بخواند از قرآن و دعوات آنکه برخیزد و به نزدیک معتبر رود شاد و خندان نه غمناک و مستمند، و باید که به وقت نیک برود و خواب خویش را سؤال کند و زیاد و کم نگوید و معتبر خواب سائل را تمام بشنود؛ آن گاه چنان‌که واجب کند، جواب دهد.

ابن سیرین: بر معتبر واجب است که پرهیزگار و پاک‌دین باشد؛ و تن خود را از فساد و حرام نگاه دارد؛ خوش طبع و لطیف باشد؛ در غریب و درویش بهتر نگاه کند؛ و در خواندن قرآن خطا نکند و در مطالعه کتاب‌های تعبیر جهد کند؛ پیوسته بر طهارت باشد و به دوست دروغ نگوید؛ برای دشمن خواب را عوضی تعبیر نکند و اسرار مردم نگاه دارد.

جابر: چون کسی خواب دیده بود، باید که به وقت نیک با معتبر باز گوید و هیچ کم و زیاد نکند، زیرا خواب راست جزئیست از چهل و شش جزء پیامبری. در خبر است از پیامبر (ص) که: هر کس خواب دروغ سازد، امانت را خیانت کرده باشد. و هر کس بر من که رسولم دروغ گوید، چنان است که بر نسب خویش فساد می‌کند، و گواهی تباهی بر خود می‌دهد.

◀ فصل چهاردهم: معرفت انواع تعبیر

ابن سیرین: معتبر باید از نام، شأن، دین، سیرت و میزان عقل، فهم، علم و ادب خواب‌بیننده آگاه شود؛ و به وقت خواب دیدن و وقت سؤال کردن و فصل و سال توجه کند؛ و آنچه به صواب نزدیکتر باشد،

تعبیر کند.

جابر: چون کسی از تعبیر خواب پرسد، معبر باید نام وی و نام پدرش را بپرسد. اگر نام‌ها از جمله‌ی نام‌های پیامبران باشد، تعبیر از طریق زجر و فال، بر خیر و بشارت و خرمی باز گوید. اگر نام او ابو جهل، ابولهب، ابوالحکم و مانند آن باشد، دلیل بر شر و مضرت باشد. بیشتر خواب‌ها را در روز شنبه و اول روز پرسند، زیرا که اول ساعت از روز شنبه زحل باشد. اگر در اول روز یکشنبه پرسند، دلیل بر خیر کند به آن شب؛ که اول روز یکشنبه آفتاب را بود. اگر در اول روز دوشنبه پرسند، دلیل بر خیر و خرمی کند و به زودی مراد حاصل شود؛ زیرا که اول روز دوشنبه ماه باشد. اگر در اول روز سه‌شنبه پرسند، دلیل بر فتنه و غم و اندوه باشد؛ زیرا که اول ساعت روز سه‌شنبه مریخ است. اگر در اول روز چهارشنبه پرسند، آن بد باشد؛ زیرا ایزد تعالی قوم هود و اصحاب الرس و ثمود را در اول روز چهارشنبه هلاک کرد، و حکما این روز را به فال نگیرند. اول ساعت از روز چهارشنبه عطارد است. اگر در اول روز پنجشنبه تعبیر خواب را پرسند، دلیل بر سعادت و نیکویی باشد؛ زیرا اول ساعت از روز پنجشنبه مشتریست. اگر اول روز آدینه تعبیر خواب پرسند، آن هم دلیل بر سعادت بود؛ زیرا روز آدینه زهره است. معبر باید در علم تعبیر خواب مجرب باشد، تا تعبیر یاوه نکند، و در تعبیر، جمیع جوانب لازم را در نظر گیرد.

حکایت: مهدی ابن منصور شبی به خواب دید که روی او سیاه شده بود. چون بیدار شد، از معبران تعبیر خواب خود را خواست. آنها فرو ماندند و گفتند: ابراهیم ابن عبدالله کرمانی در علم تعبیر استادتر از همه ماست. به دستور مهدی، ابراهیم را حاضر کردند. ابراهیم گفت: تو را دختری آید. معبران گفتند: چگونه؟ ابراهیم گفت: از قول خدای تعالی: «و اِذَا بَشَّرْنَا احَدَهُمْ بِالْاُنْثٰى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُمْ كَظْلِمٍ» در آن روز مهدی را دختری آمد. سپس مهدی ده هزار دِرم به ابراهیم بخشید؛ و هزار دِرم دیگر هم در آن ساعت که دخترش متولد شد، به او داد.

حکایت: جلی معبر گوید: شخصی در خواب دید که دَکَر او را بریده‌اند. از معبران تعبیر خوابش را پرسید. برخی گفتند که زود بمیرد؛ برخی گفتند از اهل بیت جدا شود؛ برخی گفتند منزلت او کم شود؛ برخی گفتند نسل او منقطع شود؛ برخی گفتند زنش را طلاق دهد؛ و برخی گفتند مال و زندگانی‌اش تمام شود. هنوز چندی نگذشته بود، که خواب‌بیننده زنش را طلاق داد، و با فرزندانش به قصد بازرگانی سفر دریا کرد. و چون به کشتی نشست، بادی سخت برخاست و کشتی را غرق کرد. او و فرزندانش همه هلاک شدند و اموالش نیز غرق شد، و یک ماهی، دَکَر او را خورد. بنابراین خواب را نباید نزد هر کس گفت. همچنین تعبیر خواب را نباید از زن‌ها و کودکان و دشمنان خواست؛ از آن

سبب که معبر، خواب را چنان تعبیر کند که شنود. دو تن از یاران یوسف در زندان از وی خواب پرسیدند. چون یوسف (ع) تعبیر کرد، یکی را بد آمد و تعبیر خواب دیگری خوب. همان طور که یوسف تعبیر کرده بود، یکی را دار زدند، و یکی را به سمت شرابداری برگزیدند.

حضرت صادق (ع): خواب، به قول جاهلان تغییری نمی‌کند، اما خواب‌بیننده نباید تعبیر خواب خود را از چهار گروه بپرسد: یکی، از بددینان؛ دوم از زن‌ها؛ سوم از جاهلان؛ و چهارم از دشمنان؛ زیرا در گزاردن خواب توسط ایشان خیر نباشد.

◀ فصل پانزدهم: مقلوب بودن تعبیر

تعبیر بسیاری از خواب‌ها به عکس باشد.

ابن سیرین: طاعون در خواب، جنگ است به بیداری؛ و مصحف (قرآن) در خواب، حکمت است به بیداری؛ و حکمت در خواب، مصحف باشد به بیداری؛ و گریستن در خواب، خندیدن بود به بیداری؛ و خندیدن در خواب، گریستن باشد به بیداری؛ و ملخ در خواب، لشگر و غوغا باشد به بیداری؛ و لشگر در خواب، ملخ بود به بیداری؛ و پیک در خواب، زمین‌پیما بود به بیداری؛ و خواب خانه خراب، دلیلش مرگ صاحب خانه بود به بیداری؛ و زن خواستن در خواب، کشت در بیداری بود. قوله تعالی: «يَسْأَلُكُمْ حَرْبُ لَكُمْ فَاتُوا جِرْتَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ». نیک کردن در خواب، کرباس بافتن بود در بیداری؛ و عکس آن؛ و سیل در خواب، دشمن بود به بیداری؛ و هر چیز نو که تعبیر آن نیک باشد، کهنه‌ی آن بد باشد؛ و هر چیزی که نو آن بد باشد، در خواب، کهنه‌ی آن نیک بود؛ چنان‌که خواب دیدن پوشیدن کفش نو، غم و اندوه بود به بیداری. اگر کسی در خواب کفش کهنه پوشید، خرمی و شادی بود در بیداری. اگر خادم خردمند در خواب ببیند، بد باشد. از این گونه خواب‌ها و تعبیرها بسیار است؛ که در جای خود در این کتاب به آنها اشاره خواهد شد. ان شاء الله.

◀ فصل شانزدهم: تعبیر دیدن فرشتگان و پیامبران در خواب

بدان! که خلاق روحانی و نورانی‌اند، پس تعبیر فرشته از دو وجه است: یکی، پادشاهی بود کامکار و با دین و دیانت؛ دوم، پرهیزگاری لطیف و زاهد و خوش طبع و مطیع و فرمانبردار خدای عز و جل؛ چنان‌که خداوند در قرآن مجید فرموده: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرُهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ». بدان! که از جمله‌ی فرشتگان، چهار فرشته نیکوتر و بهتر از همه فرشته‌هایند: اول، جبرئیل؛ دوم، میکائیل؛ سوم، اسرافیل؛ چهارم، عزرائیل. تعبیر هر یک را بیان کنیم.

ابن سیرین: اگر جبرئیل را در خواب، خوش طبع و گشاده‌روی ببیند، چنان‌که صورت اصلی اوست،

تعبیر این است که، بر دشمن چیره شود و به مراد برسد و از غم رها گردد. اگر وی را به خلاف این دید، دلیل اندوه باشد. اگر در خواب ببیند که جبرئیل او را وعده‌ی نیکو یا مرثیه داد، یا از کاری بازداشت، تعبیر همان باشد. اگر در خواب ببیند که جبرئیل او را چیزی داد، تعبیر این است که، از حاکم منزلت و بزرگی یابد. بعضی از معبران گفته‌اند که، اگر در خواب ببیند که جبرئیل یا میکائیل چیزی به وی داد، تعبیرش ترس و بیم عظیم باشد. اگر در خواب ببیند که جبرئیل شد، و مردمان وی را گفتند که او جبرئیل است، تعبیر این است که، امانت‌دار و دانشمند شود، و مرادش حاصل گردد. ابن سیرین گوید: اگر کسی میکائیل را در خواب ببیند، چنان‌که صورت اوست، تعبیر این است که، بر دشمنان ظفر یابد و به مرادش برسد. اگر وی را به خلاف این ببیند، اندوهی به او رسد. اگر در خواب ببیند که میکائیل او را چیزی عطا کرد، از بزرگواری چیزی به او رسد. اگر در خواب ببیند که میکائیل شده، یا مردم به او گفتند تو میکائیل هستی، تعبیر این است که، از او به مردمان خیر رسد، و او نزد مردم عزیز شود.

ابن سیرین: اگر اسرافیل را به خواب ببیند، چنان‌که صورت اوست، تعبیر این است که، قدرت و بزرگی یابد، دانا گردد و در آن دیار ایمن باشد. اگر در خواب ببیند که اسرافیل صور را در دست داشت، دلیل بر محنت و بلا و فتنه است؛ زیرا هر جا که دمیدن صور پیدا شود، در آن جافته و ترس و مرگ ظاهر شود؛ چنان‌که حق تعالی یاد کرده است: «و يُفْخِ فِي الصُّورِ فَصُعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ». اگر اسرافیل صور در دست داشت و در شهری بود، اما او را نمی‌دید، تعبیر این است که، در آن شهر بیم و ترس افتد. اگر در خواب ببیند که اسرافیل به خشم در وی نگاه کرد، تعبیر این است که، حاکم آن دیار بر وی خشم کند.

کرمانی: اگر اسرافیل را اندوهگین ببیند که صور می‌دمید، و صور او را می‌شنوید، تعبیر این است که، در آن سرزمین مرگ بسیار رخ دهد. اگر در خواب ببیند اسرافیل صور داشت، تعبیر این است که، در آن سرزمین عدل و داد و ایمنی ایجاد شود و ظالمان هلاک گردند. اگر اسرافیل در خواب گشاده‌روی و شادمان در وی نگاه کرد، تعبیر این است که، از جانب حاکم خیر و ایمنی به او رسد. اگر در خواب ببیند که اسرافیل او را نامه‌ی مَهر کرده داد، تعبیر این است که، اجل وی نزدیک است. اگر در خواب ببیند که اسرافیل او را بانگ می‌زد و ناپدید شد، تعبیر این است او از حاکم زیان ببیند.

ابن سیرین: اگر کسی در خواب ملک الموت (عزرائیل) را در آسمان، و خود را در زمین ببیند، تعبیر این است که، از هر کاری دارد، معزول شود. اگر ملک الموت را در زمین نزدیک خود دید، تعبیر این است که، اجل او فرا رسد. اگر ملک الموت را شادمان ببیند، تعبیر این است که، شهید

شود. اگر در خواب ببیند که با ملک الموت کشتی گرفت و او را نینداخت، تعبیر این است که، به زودی از دنیا رحلت کند. اگر در خواب ببیند که در کشتی گرفتن با ملک الموت، او را بیفکند، تعبیر این است که، بیمار شود و به حال مرگ افتد، و بعد شفا یابد.

جابر: اگر ملک الموت را شادمان ببیند، تعبیر این است که، زندگانی او دراز شود. اگر در خواب ببیند که ملک الموت بر وی سلام کرد، تعبیر این است که، اجلش نزدیک باشد و شهید شود. اگر در خواب ببیند ملک الموت به او با خشم نگاه کرد، تعبیر این است که، مخاطره‌یی برای او پیش آید. اگر در خواب ببیند که ملک الموت او را چیزی شیرین داد، تعبیر این است که، جان‌کندن بر وی آسان شود. اگر در خواب ببیند که به او چیز تلخ داد، تعبیر این است که، جان‌کندن بر وی دشوار شود. اگر در خواب ببیند که ملک الموت او را وعده و مژده‌ی نیکو داد، تعبیر همان بود. اگر در خواب ببیند وی را باخبر کردند که ملک الموت در فلان جاست، و او از دور در وی نگاه کرد، تعبیر این است که، کار او به دست حاکم باهویت افتد. اگر در خواب ببیند که ملک الموت را بکشت، تعبیر این است که، دشمن خلق شود. حَفْلَةُ الْعَرْشِ، فرشتگانی هستند که عرش را به امر خداوند نگه داشته‌اند. اگر ایشان را به خواب ببیند، تعبیر این است که، با حاکم بزرگواری پیوند و از او انصاف یابد؛ قوله تعالی: «وَقَرَى الْمَلَائِكَةُ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ». اگر در خواب ببیند که آن فرشتگان او را بنواختند، تعبیر این است که، اجل وی نزدیک باشد. کرام الکاتبین، فرشتگانی هستند بر مردمان موکل، و کردار نیک و بد مردم را بنویسند.

ابن سیرین: اگر یکی از کرام الکاتبین را در خواب ببیند، تعبیر این است که، اگر اهل صلاح باشد، صلاح دو جهان یابد؛ اگر اهل فساد باشد، غم و اندوه به او رسد.

ابن سیرین: اگر با فرشتگان جنگ کند، تعبیر این است که، گناهکار و مستوجب عذاب حق تعالی باشد. اگر در خواب ببیند که فرشتگان غمناک و متفکر بودند، تعبیر این است که، رنج و محنت به او رسد. اگر در خواب ببیند که فرشتگان وی را بشارت دادند، تعبیر این است که، او را فرزند صالح و پسندیده آید؛ قوله تعالی: «إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى». اگر در خواب ببیند که فرشتگان ایستاده بودند، و طَبَق‌ها در دست، منتظر او بودند، تعبیر این است که، از این جهان شهید بیرون رود. اگر در خواب ببیند که فرشته چیزی از او گرفت، تعبیر این است که، مال و نعمت او از بین برود. اگر در خواب ببیند که فرشتگان در جایی ایستاده بودند و از ایشان می‌ترسید، تعبیر این است که، در آن مکان جنگ درگیرد. اگر در خواب ببیند که فرشتگان به جنگ مشغولند، تعبیر این است که، بر دشمن ظفر یابد. اگر در خواب ببیند که فرشتگان در رکوع و سجودند، تعبیر این است که، احوال او خوب شود. اگر

در خواب ببیند که فرشتگان به صورت زن هستند، تعبیر این است که، بیننده‌ی خواب دروغ گوید بر خدای عزوجل؛ چنان که در قرآن مجید فرمود: «إِنَّا صَفَّيْكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا أَنْتُمْ أَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا» اگر در خواب ببیند که با فرشتگان می‌پرد، تعبیر این است که، اجلس نزدیک باشد، و از دنیا با توبه بیرون شود. اگر در خواب ببیند که از دور به فرشتگان می‌نگریست و نزدیک ایشان نتوانست برود، تعبیر این است که، گناه کند؛ قوله تعالی: «يَوْمَ يَرُونَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ» اگر در خواب ببیند که با فرشتگان فریاد می‌داشتند، تعبیر این است که، خانه‌ی او خراب شود. اگر در خواب ببیند که فرشتگان او را اطاعت می‌کردند، تعبیر این است که، اگر اهل صلاح باشد، شادی ببیند؛ اگر اهل شر و فساد باشد، به او رنج و غم رسد؛ چنان که در کلام الله مجید یاد شده است: «إِقرءْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» اگر در خواب ببیند که فرشتگان بروی سلام داده، و به چشم حرمت به او نگاه کردند، تعبیر این است که، حق تعالی او را بر دشمنان پیروز کند، و عاقبت کارش نیکو شود. اگر در خواب ببیند که فرشتگان با هم در جایی فرود آمدند، تعبیر این است که، مردم آن دیار از غم‌ها رهایی یابند و بر دشمن چیره شوند؛ زیرا فرشتگان به نصرت پیامبر به زمین آمدند.

کرمانی: دیدن فرشتگان در خواب، بشارت باشد او را از حق تعالی. اگر در خواب ببیند که فرشته او را وصیت کرد یا پند داد، تعبیر این است که، از دنیا شهید بیرون رود. اگر فرشتگان مقرب را در جایگاهی ببیند، تعبیر این است که، اهل اسلام با کافران جنگ کنند، و حق تعالی اهل اسلام را بر ایشان ظفر و نصرت دهد؛ اگر در آن جا رنج و سختی و قحطی باشد، خدای تعالی رنج و قحطی را از اهل آن منطقه دور کند. اگر در خواب ببیند که خود فرشته شد و با آنها به آسمان رفت، تعبیر این است که، در دنیا زهد اختیار کند، و دست از این جهان بشوید و راه آخرت پیش گیرد. اگر در خواب ببیند که با ایشان به آسمان رفت و از آن جا به زمین آمد، تعبیر این است که، زود از دنیا رحلت کند، و نامش در جهان به خیر و نیکی باقی بماند.

جابر: اگر در خواب ببیند که فرشته‌ی مقرب با شادمانی به او نگاه کرد، تعبیر این است که، عدل و داد ببیند، و پس از بیماری تندرستی یابد، از ترس و بیم ایمن شود و خیر فراوان ببیند و غزا کند. اگر خویش را به صورت فرشته ببیند، تعبیر این است که، اگر او غمناک باشد، از غم رهایی یابد؛ اگر وام‌دار باشد، وامش پرداخت کند؛ اگر در بیم و خیر مژده داد، تعبیر این است که، بزرگی وی را از شغلی باز دارد. اگر در خواب ببیند که فرشته او را چیزهایی عطا داد، تعبیر این است که، وی به قدر آن، از بزرگی عطا یابد. اگر در خواب ببیند که گروه فرشتگان به استقبال او آمدند، تعبیر این است که،

دولت و اقبال دوجیهانی یابد. اگر در خواب ببیند که جمله‌ی فرشتگان به دیدن او آمدند، تعبیر این است که، اجل او نزدیک باشد. اگر در خواب ببیند که فرشتگان او را به آسمان بردند، تعبیر همان است. اگر در خواب ببیند که از آسمان فرود آمدند، و در دست، چراغ و تیغ دارند، تعبیر این است که، او را فرزندی عالم و دانا آید. اگر در خواب ببیند که فرشتگان او را جامه‌ی سفید یا سبز دادند، تعبیر این است که، کسی از خویشان او بمیرد، یا او را اجل فرا رسد. اگر در خواب ببیند که فرشتگان جامه‌ی سیاه به او دادند، تعبیر این است که، کافر شود. اگر در خواب ببیند که جامه‌ی زرد دادند، تعبیر این است که، بیمار شود و توبه کند. اگر در خواب ببیند که فرشتگان در وی به شادی و خرمی نگاه می‌کردند، تعبیر این است که، عاقبت کارش به هلاکت رسد. اگر در خواب ببیند که فرشتگان روی از او بگردانیدند، باید توبه کند و به سوی خدا برگردد. اگر در خواب ببیند که فرشتگان او را جامع قرآن یا خطی نوشته دادند، تعبیر این است که، او را با کسی حکم و داوری افتد، و او بر حق بود و بر خصم غلبه کند. دیدن فرشتگان در خواب، اگر به صورت پیر ببیند، دلیل بر اشتغال وقت کند؛ اگر به صورت حیوانات ببیند، دلیل به روزگار گذشته که در اوست؛ اگر به صورت کودکان ببیند، دلیل بر وقت آینده کند.

◀ فصل هفدهم: تعبیر دیدن پیامبران در خواب

ابن سیرین گوید: مراتب پیامبران بر سه وجه است: اول، اولوالعزم؛ دوم، مرسل و سوم، نبی. پیامبران اولوالعزم، مثلاً: ابراهیم، موسی، عیسی و محمد(ص)، پیامبران مرسل که جبرئیل بر آنها نازل شده است، سیزده تن هستند. بر پیامبران نبی نیز جبرئیل نازل شده است. هرکس پیامبر اولوالعزمی را به خواب ببیند، تعبیر این است که، بزرگی یابد. هر که مرسل به خواب ببیند، بر دشمن ظفر یابد. هر که نبی به خواب ببیند، تعبیر این است که، او بر صلاح دین و دیانت است.

جابر: هر که پیامبر اولوالعزمی را در خواب ببیند، اگر در جایی که هست، جنگی درگیرد، مردم آن جابر دشمنان چیره شوند. اگر در غم و سختی گرفتار باشد، ایزد تعالی ایشان را از غم و سختی رهایی بخشد. اگر چیز دیگری باشد، دیدن آن پیامبران، ایشان را بشارت بود در خیر و صلاح دین. اگر در خواب ببیند که پیامبری در جایگاهی بود، و بر اهل آن جا دعای بد می‌کرد، تعبیر این است که، حق تعالی محنت و بلای عظیم بر ایشان فرستد؛ چنان که رهایی نیابند، مگر توبه کنند و به سوی خدای تعالی بازگردند.

کرمانی: هر بنده‌ی مؤمنی که پیامبری را بر جای خود تازه‌روی و شادمانه ببیند، تعبیر این است که، بیننده‌ی خواب عزّ و جاه و بزرگی یابد، و او را بر دشمنان ظفر دهد. اگر پیامبری را خشناک

ببیند و از او چیزی بشنید، تعبیر این است که، از علم آن پیامبر بهره یابد و شادمان شود. اگر در خواب ببیند که پیامبری را بگشت، تعبیرش شکستن عهد و امانت است؛ قوله تعالی: «فبما نقضهم ميثاقهم».

حضرت صادق(ع): اگر حضرت آدم را به خواب ببیند، اگر خواب‌بیننده از اهل صلاح باشد، بزرگی یابد؛ قوله تعالی: «فعصى آدم ربه فغوى ثم اجتبيه ربه فتاب عليه». اگر در خواب ببیند که با آدم سخن گفت، تعبیر این است که، علم و دانش بیاموزد؛ قوله تعالی: «و علم آدم الاسماء كلها». اگر در خواب ببیند که آدم دست او را بگرفت، تعبیر این است که، بزرگی یابد. اگر در خواب ببیند که از آدم اطاعت نداشت، تعبیرش بد باشد و عاصی شود. اگر حوا را به خواب ببیند، تعبیر این است که، اقبال این جهانی یابد، فرزندان او زیاد گردند و کام دل یابد. اگر شیث(ع) را ببیند، تعبیر این است که، عیش خوش یابد و فرزندان او افزون شوند. اگر ادریس(ع) را در خواب ببیند، تعبیر این است که، کارش نیکو، و عاقبتش محمود شود. اگر نوح(ع) ببیند، تعبیر این است که، عمرش دراز شود، لیکن از دشمن رنج و سختی یابد. اگر هود(ع) را ببیند، تعبیر این است که، دشمنان بر وی افسوس کنند، و عاقبت بر ایشان ظفر و نصرت یابد. اگر لوط(ع) را ببیند، تعبیر این است که، کارهای او به صلاح آید. اگر صالح(ع) را ببیند، تعبیر این است که، از جایی به جای دیگر نقل مکان کند، و سرانجام کارش نیک شود و در خیرات به روی او گشاده گردد. اگر ابراهیم(ع) را ببیند، تعبیر این است که، ایزد تعالی او را حج روزی کند؛ بعضی از معتبران گفته‌اند که، از حاکم ظالم او را ستم رسد؛ و بعضی گفته‌اند، با پدر و مادرش بدخویی کند. اگر اسماعیل(ع) را ببیند، تعبیر این است که، بزرگی یابد و حاجتش روا شود. اگر اسحاق(ع) را ببیند، تعبیر این است که، از جهت فرزندان، وی را غم و اندوه رسد، و سرانجام از غم رهایی یابد و خرم شود. اگر یعقوب(ع) را ببیند، تعبیر این است که، خویشان بر وی بهتان نهند، و عاقبت بزرگی یابد و کارش خوب شود. اگر شعب(ع) را ببیند، تعبیر این است که، مردمان بر او قهر کنند، و بعد از آن، ظفر و دولت یابد. اگر موسی(ع) را ببیند، تعبیر این است که، مبتلا شود به اهل و عیال، و بعد از آن، بر دشمن ظفر یابد. اگر هارون(ع) را ببیند، رحمت به او رو کند. اگر بسع(ع) را ببیند، تعبیر این است که، کارهای بسته به روی او گشاده شود. اگر داوود(ع) را ببیند، دلیل بر رنج و محنت عیال کند و آشفته شود. اگر یوسف(ع) را ببیند، بزرگی یابد، مال او زیاد شود و کارش به نظام آید. اگر ذکریا(ع) را ببیند، تعبیر این است که، ایزد تعالی او را توفیق بر خیر و عبادت و طاعت دهد. اگر یحیی(ع) را ببیند، تعبیر این است که، دست از کار و کسب بردارد و به شغل آخرت مشغول شود. اگر خضر(ع) را ببیند، تعبیر این است که، دائم در ایمنی بود و عمر دراز

یابد. اگر دانیال (ع) را ببیند، تعبیر این است که، کارهای دشوار بر او آسان شود. اگر یونس (ع) را ببیند، تعبیر این است که، از غم برهد و کار وی نیکو شود. اگر ایوب (ع) را ببیند، تعبیر این است که، از غم‌های یابد، و از تاریکی به روشنی افتد. اگر عیسی (ع) را ببیند، تعبیر این است که، کار مرده‌ی او زنده شود، و بر خیر و عبادت توفیق یابد. اگر محمد (ص) را ببیند، تعبیر این است که، کار دو جهان وی نیکو شود؛ اگر غمگین باشد و وام داشته باشد، از غم‌هایی یابد و وامش گذارده شود؛ اگر محبوس باشد، خلاص شود؛ اگر در ترس باشد، ایمن شود؛ اگر در تنگی باشد، نعمت یابد؛ اگر درویش باشد، توانگر شود. سلیمان گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: هر که مرا به خواب ببیند، حق را دیده؛ «من رأنی فقد ه الحق فان الشیطان لا یتمثل». اگر اندوه و زیانی به وی رسد، عجب مدار، که تعبیر دیدن من دلیل بر سعادت دنیا و آخرت است. اما اگر پیامبر را زرد و لاغر ببیند، دلیل بر سُستی دین، و آشکار شدن بدعت در آن دیار باشد. اگر رسول (ص) را ببیند که در آن جا فریاد می‌کرد، هر چه در او خراب است، آباد شود. اگر وی را دید که چیزی می‌خورد، تعبیر این است که، فرمانی بود از او، بر زکات دادن مال. اگر پیامبر را در جایی ببیند، که در آن جا هیچ رنج و آفت نباشد، دلیل بر خیر و صلاح دین است؛ خاصه آنکه، حضرت را در آن جا در مسجد ببیند. اگر وی را بیمار یا ضعیف یا غمگین دید، تعبیر این است که، در آن جا دین اسلام ضعیف و خوار شود.

کرمانی: اگر رسول (ص) را در شهر یا کوچه ببیند، تعبیر این است که، در آن جا نعمت زیاد باشد، و اهل آن جا بر دشمن ظفر یابند. اگر در خواب ببیند که اندامی از اندام پیامبر کبود بود، مردم آن جا در دین ضعیف و خوار باشند؛ زیرا نقصان اندام پیامبر، نقصان راه دین است. اگر در خواب ببیند که پیامبر میوه‌های تر یا خشک به وی داد، تعبیر این است که، به قدر آن، علم و حکمت برای او حاصل شود. اگر در خواب ببیند که جامه‌ی به وی داد، وی را در دین و پارسایی و راه اسلام زیادتى باشد؛ خاصه ببیند که وی را جامه‌ی سبز یا سفید داد.

ابن سیرین: اگر رسول (ص) را در خواب ناقص ببیند، آن نقصان به بیننده‌ی خواب باز شود، زیرا رسول را هم مردم نیک به خواب بینند و هم مردم بد؛ مردم نیک را مرّده دهد به چیزهایی که از او خواهند، و مردم بد را حذر فرماید از معصیت و گناه، تا از عقوبت رسته شود، زیرا که رسول هم بشیر است و هم نذیر: بشیر برای مؤمنان، و نذیر برای کافران. اگر پیامبر را بیمار و خشمگین ببیند، تعبیر این است که، اهل آن دیار به حکم شریعت کار نکنند. اگر خوشحال ببیند، از اهل آن دیار راضی باشد، خیرات کنند و روان رسول از ایشان راضی باشد. اگر خواب دید که او پیامبر شد، تعبیر این است که، او را رنج و سختی رسد، به مقدار مرتبه‌ی پیامبری، و از پس آن، کارش نیکو شود.

عبدالله عباس گوید: اگر جمازه‌ی پیامبر را کسی به خواب دید، تعبیر این است که، در آن دیار رنج و مصیبت پدید آید. اگر در خواب ببیند که از پس جمازه می‌رفت، تعبیر این است که، با یهودان و اهل بدعت بود. اگر دید که پیامبر را زیارت می‌کرد، تعبیر این است که، مال، نعمت، ولایت و عزت یابد. اگر ببیند رسول (ص) بر وی افسوس کرد، تعبیر این است که، آن شخص کافر شود؛ «قل ابالله و آیاته و رسوله کنتم تستهزؤن لا یعتذروا کفرتم بعد ایمانکم».

حضرت صادق (ع): دیدن پیامبر در خواب، بر یازده وجه است: اول، رحمت؛ دوم، نعمت؛ سوم، عزت؛ چهارم، بزرگی؛ پنجم، دولت؛ ششم، ظفر؛ هفتم، سعادت؛ هشتم، ریاست؛ نهم، قوت؛ دهم، خیر دو جهان و یازدهم، نیکویی مردمان آن جا، و جایی که در آن خواب دیده بود.

« فصل هجدهم: تعبیر دیدن امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (س) در خواب

ابن سیرین: اگر حضرت علی (ع) را خوش طبع و گشاده‌روی در خواب ببیند، تعبیر این است که، علم و کرامت و شجاعت و سخاوت یابد. اگر وی را در شهری ببیند، تعبیر این است که، عدل و انصاف و تقوا آشکار شود، و از آن شهر جور و ظلم رخت بریندد و اهل بدعت در شهر خوار شوند، لیکن در میان ایشان خصومت باشد. اگر حضرت فاطمه (س) را به خواب دید، تعبیر این است که، شرم و زهد و پرهیزگاری یابد. اگر وی را گشاده‌روی و برازنده و خوش طبع ببیند، تعبیر این است که، مردمان آن شهر بر قرآن و علم آموختن و خیرات کردن رغبت نمایند، و در آن شهر خیر و برکت پدید آید.

« فصل نوزدهم: تعبیر دیدن صحابه‌ی پیامبر در خواب

ابن سیرین: اگر کسی صحابه‌ی پیامبر را به خواب ببیند، تعبیر این است که، در راه دین و صدق و پرهیزگاری، صادق و یگانه شود، و در میان مردمان به صدق قول و راستی دیانت و پرهیزگاری مشهور شود؛ زیرا پیامبر (ص) فرمود:

«الحديث اصحابی كالنجوم بايهم اقتديتم اهتديتم». یعنی: یاران من چون ستارگانند. به هر که اقتدا کنند، راه یابند.

« فصل بیستم: تعبیر دیدن امام حسن و امام حسین (ع)

اگر حسن و حسین را در خواب ببیند، تعبیر این است که، وی را از کسی یا از بزرگان و مهتران پیوستگی افتد، و از آن کس خیر و منفعت ببیند و سرانجام درجه‌ی شهیدان یابد.

◀ فصل بیست و یکم: تعبیر دیدن اولیا، علما، حکما، فضلا و زاهدان در خواب

اگر جعفر طیار در خواب ببیند، هجو کند. اگر عبدالله را در خواب ببیند، تعبیر این است که، به سنت‌های پیامبر (ص) راغب باشد، علم شریعت را دوست دارد و عمرش دراز شود. اگر سلیمان را ببیند، تعبیر این است که، حق تعالی وی را علم قرآن ارزانی دارد، و عاقبتش محمود باشد. اگر اباذر یا مقداد اسود را در خواب ببیند، تعبیر این است که، به کار دین مجتهد بود. اگر بلال را ببیند، تعبیر این است که، امر به معروف به جا آورد. خلاصه هر یک از یاران رسول را در خواب ببیند، تعبیر این است که، خیر و منفعت دنیا و آخرت برای وی حاصل شود؛ زیرا که تمام آنها در بین امت پیامبر، ناصحترین هستند. اگر کسی از علما، فضلا، حکما یا زاهدان را به خواب ببیند، تعبیر این است که، به کار خیر و طاعت توفیق یابد، و علم حاصل کند. بر قدر و درجه‌ی آن کس که به خواب دیده بود؛ زیرا علما و حکما و اولیا، میراث‌داران پیامبر و راه مسلمانان هستند. اگر به شهری یا مجلسی، گروهی از علما و حکما جمع آمده ببیند، تعبیر این است که، مردم آن دیار را به نصرت بود بر جاهلان، و به گفتار حق و کردار صدق و امر معروف و نهی منکر. و الله اعلم.

تمام شد گفتن سخنان در باب فرشتگان و پیامبران، و تعبیر دیدن صحابه و تابعین (رضوان الله علیهم اجمعین). از این پس، شرح تعبیر خواب‌ها به ترتیب حروف معجم؛ و به گونه‌ی بیان کنیم که یافتن آنها برای خواننده آسان باشد.

ان شاء الله تعالی و الله اعلم